

آدمش ادرش

«دهخوارقان»



بهروز خاماچی

آنچه بزودی منتشر خواهد شد :

تبریز از دیدگاه جهانگردان

جزیره نشینان شاهی

سهند آباد

کوچ نشینان سهند



بهاء : ۹۵ ریال

آذرشهر

«دخمخوارقان»

نوشته :

بهروز خاماچی

دبیر جغرافیای دبیرستانهای آذرشهر

خرداد ۲۵۳۵ شاهنشاهی

* در ۱۱۲ صفحه

* تیراژ ۱۰۰۰ جلد

* کاغذ ۷۰ رومانی

* چاپ شفق

* صحافی مهر

مشخصات این کتاب در خرداد ماه ۲۵۳۵ بشماره ۳۵۵ در دفاتر اداره
کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی ثبت گردید

هدف از گردآوری و نوشتن
مطالب این کتاب شناساندن
گوشه‌ای از سرزمین آذربایجان
از نظر مسایل جغرافیائی و
منطقه‌ای است .

امید است مطالب این کتاب
با همه کمبودها و نواقص موجود
قدمی در راه مطالعه سایر مناطق
جغرافیای محلی و مورد استفاده
دانش‌آموزان و علاقمندان رشته
دانش جغرافیا و محیط‌شناسی
باشد .

وزارت معارف

اداره انطباعات
بخشنامه نمره ۴۷۶۸-۱۶۰۳۹
۱۳۱۶-۴-۲۲

طبق نامه نمره ۵۳۷۹-۱۶/۴/۱۶ ریاست وزراء بموجب پیشنهاد
ایالت شرقی آذربایجان نام قصبه خیاو مرکز ولایت مشکین به
مشکین شهر تبدیل و اسم دهخوارقان بکلمه آذرشهر تغییر یافته
و مورد تصویب پیشگاه اعلیحضرت همایونی واقع گردیده است .
لازم است بامورین تابع خود دستور دهید نامهای جدید را در
محاورات و مکاتبات بکار برند و وصول این بخشنامه را نیز با اداره
انطباعات اطلاع دهید . **ر. ط. ن.** وزیر معارف و اوقاف



فرمان تغییر نام دهخوارقان در زمان سلطنت اعلیحضرت

رضا شاه کبیر ۲۴۹۶ شاهنشاهی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱ - ۳	۱ - موقعیت جغرافیائی آذرشهر
۴ - ۲۰	۲ - اسم آذرشهر و سابقه تاریخی
۲۱ - ۳۲	۳ - اوضاع طبیعی
۳۳ - ۴۴	۴ - آثار تاریخی
۴۵ - ۴۶	۵ - عرفا و مشاهیر
۴۷ - ۵۴	۶ - سابقه فرهنگی آذرشهر
۵۵ - ۶۳	۷ - سیمای شهر
۶۴ - ۷۱	۸ - جمعیت و آمار روستاها
۷۲ - ۷۴	۹ - تاریخچه جمعیت شیروخورشید سرخ
۷۵ - ۸۴	۱۰ - شغل مردم
۸۵ - ۹۷	۱۱ - کشاورزی - باغداری - دامپروری
۹۸ - ۱۰۲	۱۲ - هفته بازار آذرشهر
۱۰۲ - ۱۰۳	۱۳ - منابع و مآخذ

موقعیت جغرافیائی آذرشهر

آذرشهر (دهخوارقان) از بخش‌های مهم و معروف شهرستان تبریز است . فاصله‌اش تا تبریز ۵۴ کیلومتر بوده در جنوب غربی مرکز استان آذربایجان شرقی واقع شده است . از نظر موقعیت جغرافیائی در ۳۷ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار داشته و ارتفاعش از سطح دریا ۱۳۶۸ متر می‌باشد فاصله آذرشهر تا دریاچه رضائیه ۱۷ کیلومتر و در مشرق آن قرار دارد جنوب و مشرق‌اش رشته کوه‌های سه‌د غربی و بخش عجب شیر و شمال‌اش حدود شهرستان تبریز و بخش اسکو و دهستان ایلخچی می‌باشد .

از نظر موقعیت ارتباطی دارای اهمیت و ویژگی خاصی است چون تنها گذرگاه و راه ارتباطی آذربایجان شرقی به حدود غرب و جنوب غربی ایران است زیرا سراسر مشرق و جنوب این منطقه را کوه‌های سه‌د فراگرفته و تمام حدود غرب آن ساحل دریاچه رضائیه و شمال غربی‌اش محدود به جلگه و آبرفت رودخانه آجی‌چای (تلخه رود) می‌باشد .

آذرشهر در سراسر شاهراه تبریز به مراغه و کردستان و کرمانشاهان واقع شده و از غرب آن بفاصله ۱۲ کیلومتر تا مرکز شهر، راه آهن تبریز - مراغه - تهران

می‌گذرد .

با احداث شاهراه غرب ایران این شهر از طریق راه بازرگان تبریز به اروپا و بوسیله شاهراه تبریز - میاندوآب - سقز به حدود غرب ایران یعنی کردستان آذربایجان غربی و کرمانشاهان و از طریق مرز خسروی با کشورهای خاورمیانه عربی ارتباط پیدا کرده است .

معروفترین دهستان‌های تابع آذرشهر ، گاوگان ، ممقان ، شرامین ، تیمورلو و قاضی جهان بوده که به وفور محصول و میوه‌جات معروفند - در تقسیمات جدید کشوری قرار است آذرشهر بعلت پیشرفتهای چشمگیری که از نظر عمران و آبادانی و اقتصادی و فرهنگی و کشاورزی دارد به شهرستان تبدیل شود و امروزه از بخشهای پیشرفته تبریز و آذربایجان شرقی بوده و مدتی است که تحولات شگرفی در این شهر آغاز شده است و مؤسسات بهداشتی و درمانی و فرهنگی و اجتماعی متعددی یکی پس از دیگری افتتاح می‌شود . از آنجمله :

بیمارستان و زایشگاه شیر و خورشید سرخ - کتابخانه جوادی - دبیرستان جوادی شماره ۲۰۱ - خانه پیشاهنگی - هنرستان حرفه‌ای مقدماتی - استادیوم ورزشی - درمانگاه شیر و خورشید سرخ - بلوار - خانه‌های سازمانی - نیروگاه برق منطقه‌ای - خانه حزب رستاخیز ملت ایران - دبستان کوروش کبیر - دبستان جمشید - سد بزرگ رودخانه دهخوارقان - اداره پست و تلگراف - برق منطقه‌ای را می‌توان نام برد و بزودی شعبه‌ای از دانشگاه آزاد ایران نیز در این شهر بوجود خواهد آمد .

در حال حاضر آذرشهر ناحیتی است بسیار زیبا و حاصلخیز و مستعد کشاورزی و دامپروری و وقوع اش در دامنه سلسله جبال سهند و ساحل دریاچه رضائیه به آن مزیت خاصی بخشیده است . هوای این شهرستان بسیار دلکش و به وفور انواع میوه و محصولات کشاورزی و خشکبار معروف به مرغوبیت شهرت

تمام دارد .

مرکز شهرستان آذرشهر شهرک دهخوارقان قدیم یا آذرشهر امروزی است که ۱۵۳۳۴ نفر و با حومه اش ۵۴۰۶۴ نفر جمعیت دارد (سرشماری ۱۳۴۵) و دارای ۴۲ ده و دهستان بوده که در دهات اش ۳۷۷۹۰ نفر در ۷۵۹۹ خانوار زندگی می کنند .

اسم آذرشهر و سابقه تاریخی

اسم سابق آذرشهر دهخوارقان و داخرقان و دیه خرقان بوده است در میان مردم و گویش محلی روستائی به توفارقان معروف شده بود^۱ .
در زمان رضا شاه کبیر بمناسبت وجود آذرکده و آتشکده‌ای که درحوالی آن وجود داشته بنا به تصویب فرهنگستان ایران به آذرشهر مبدل شد^۲ . و امروزه در تمام منابع جغرافیائی باین نام خوانده می‌شود .
در مورد ریشه لغت دهخوارقان آقای دکتر سلیم استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آذربادگان این نظریه را ارائه می‌دهند :

dēh + xār + ag + ān

۱- مردم محل در باره توفارقان این روایت را نقل می‌کنند که در زمانهای بسیارقدیم (دهخوارقان یا توفارقان) ناحیه کوچکی بوده و اطراف آنرا دیوار کشیده بودند میان یکعده افراد مهاجم و ساکنان مبارز آن جنگهای خونین اتفاق می‌افتد که تمام دیوارها به خون آغشته میشود از آن تاریخ درمیان مردم به (توفار + قان) (دیوار خونین) معروف می‌شود اکنون نیز درحومه آذرشهر و ممقان به دیوار (توفار) گویند . شاید این روایت عاری از حقیقت باشد.

۲- تاریخ فرهنگ آذربایجان جلد اول شادروان حسین امید .

ریشه واژه «دهخوارقان» در حقیقت مرکب از «ده» + «خوار» + «ق» + «آن» است که به اجمال شرح آن چنین است :

۱- «ده» که معنای وسیعتری از قریه داشته و زمانی به کشور و یا منطقه وسیعی اطلاق می‌شود که زیر نظر دهقانی اداره می‌شد .

۲ «خوار» سرزمین پست است که نزدیک به کوه باشد مثل خوارورامین و سرزمین تیشخوارگر (به لهجه مازندرانی) یعنی کوهی که آن سوی سرزمین «خوار» یعنی پست و مسطح و هموار باشد .

۳- «ق» پسوند نسبت است .

۴- «آن» پسوند نسبت است .

بنابراین معنی لغوی و ریشه نام (دهخوارقان) دشت متکی بر کوه یا در دامنه کوه می‌باشد .

وجود آتشکده‌ها در حدود و توابع دهخوارقان (آذرشهر) نشان می‌دهد که سابقه تاریخی‌اش به دوره قبل از ورود اعراب به ایران می‌رسد .

در زمان حکومت اشکانیان و ساسانیان آتشکده‌های منطقه دهخوارقان بزرگترین محرابه مورد تقدس و احترام زردشتیان بوده است در این مورد به نوشته دو کتاب و تذکره توجه می‌شود :

حافظ حسین کربلائی و ملاحشری در تذکره حشری در مورد بنای بقعه عون بن علی (عینالی) در بالای کوه سرخاب تبریز چنین نوشته و از دهخوارقان و وجود آتشکده‌های آن اینطور یاد می‌کند :

« . . . در اینکه عون بن علی و زید بن علی فرزندان بلاواسطه حضرت شاه ولایت پناهند اصلا شك و شبهه نیست . در کتب معتبر مثل بحر الانساب و تواریخ سلف نسبت فرزندی ایشان بدان حضرت و شهادت و مدفن ایشان به تفصیل مسطور

است . چون اسامه سپهسالار اعراب بار اول در زمان خلافت عمر به آذربایجان آمد و مدتها غذا نمود، بعد از فتح چند قلعه با جمع کثیر از صحابه و تابعین بدرجه شهادت رسید، عون بن علی باوی شهادت یافت و زید بن علی با حضرت محمد حنفیه و عبدالله بن عمر بدین دیار بغزای کفار آمد و در دهخوارقان در قلعه خرم آباد که آتشکده قدیم و بغایت نزد کفار معتبر بود شربت شهادت نوش کرد »^۱

ابوالقاسم محمد بن حوقل بغدادی ، سیاح و جغرافیدان معروف عرب که از جزئیات زندگی وی اطلاع زیادی در دست نیست در سال ۳۳۱ هجری قمری (۹۴۱ میلادی) به منظور مطالعه درباره کشورها و ملتهای مختلف و نیز بمنظور تجارت از بغداد شروع کرده و کشورهای اسلامی را از شرق به غرب می پیماید و کتاب نفیس و باارزشی بنام صورة الارض به یادگار گذاشته است که در آن کتاب نسبت به دریاچه اورمیه (رضائیه) مطالبی نوشته و از دهخوارقان (آذرشهر) چنین یاد می کند :

« . . . دریاچه معروف به کبودان که در آنجا میان مراغه و اورمیه واقع است آبی شور دارد و هیچگونه جاندار و ماهی در آن نیست و کشتیهای بسیار میان شهرها و اعمال تبریز رفت و آمد می کنند . . . »

داخرقان (دهخوارقان) و اطراف آن از هر سو بداشتن قریه ها و روستاها آباد است »

ابن حوقل در ذکر بلاد آذربایجان و اران ، نامی هم از دهخوارقان برده و می نویسد :

« . . . از اردبیل راهی به شهر بدلیس که قسمت سفلی کوهها می چسبد

۱- تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری دکتر محمدجواد مشکور- تهران - ۱۳۵۳

آغاز می‌شود در این راه شهرهای سراه (سراب کنونی)، مراغه، داخرقان (دهخوارقان) تبریز - سلماس - خوی - برکری، ارجیش و خلاط است . . . »
 بزرگترین اثر کهن تاریخی که در آن بنام دهخوارقان اشاره شده تاریخ طبری است که محمد بن جریر طبری (متولد سال ۲۲۴ هجری) آنرا نوشته و در بیان داستان یاغیگری محمد بن بعیث و شرح دزدی‌های او نام محمد پسر رواد را برده و می‌گوید که :

« . . . روستای داخرقان (دهخوارقان) نیز او را بوده است . . . »

ابواسحق ابراهیم اصطخری یکی دیگر از جغرافی نویسان کهن، متوفی بسال ۳۴۶ هجری قمری در کتاب خود بنام (المسالك والممالك) در ذکر بلاد ارمنیه آران و آذربایجان چنین نوشته است :

« . . . ارومیه شهری بزرگ است و پر نعمت ، بانرخ ارزان ، برکنار دریا و نزهت گاه بسیار دارد ، میانه - بروانان - دیر خرقان (دهخوارقان) ، سلماس - نشوی - مرند - تبریز - برزند - ورثان - موقان - اشنه ، بسوی شهرهای کوچک می‌باشد . . . »

یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان نام این شهر را (ده نخیرجان)، (ده خرقان) و (ده خرقان) نوشته و چنین یاد می‌کند :

« . . . نخیرجان اسم خزانه دار کسری پادشاه ایران بود و این روستا بنام وی معروف شده است^۱ » این وجه تسمیه افسانه‌ای بنظر میرسد که یاقوت یا مردم زمان او هشت قرن بعد از کسری آن را ساخته‌اند .

حمداله مستوفی قزوینی جغرافیدان دوره خواجه رشیدالدین فضل‌اله

همدانی در کتاب نزهة القلوب می نویسد :

« . . . در بحیره چی چست ولایت آذربایجان که آنرا دریای شور گویند
بلاد اورمیه - اشنویه - دهخوارقان - طروج - سلماس بر ساحل اوست و در میانش
جزیره ای است و بر آنجا کوهی است که مدفن پادشاهان مغول است . . . »

همین جغرافیدان درباره اوضاع جغرافیائی دهخوارقان چنین می نویسد:
« . . . شهری کوچک است . هوای معتدل دارد . آبش از کوه سهند است،
باغستان فراوان دارد و انگورش بیقاس بود - غله و پنبه و میوه دراو نیکو می آید و
مردمش سفید چهره اند و بر مذهب امام شافعی، هشت پایه دیه است . حقوق دیوانیش
بیست و سه هزار و ششصد دینار است .^۱ . . . »

این جغرافیدان در ذکر موقعیت کوهستان سهند اشاره ای به دهخوارقان
نیز می کند :

« کوه سهند به آذربایجان، بلاد تبریز و مراغه و دیه خوارقان (دهخوارقان) و
اوجان در حوالی آن است دورش بیست و پنج فرسنگ بود قله اش احياناً از برف
خالی بود . . . »

پس از تسلط اعراب بر ایران و آذربایجان، غرب ایران مرکز برخورد قدرتها
و حکام محلی با اعراب شد و قیام های بابک خرمدین و نبردهای استقلال طلبانه مردم
آذربایجان نشانه ای يك دوره طولانی ناامنی و جنگ و خونریزی بوده است. بنابراین
در شهرهاییکه بین اعراب مهاجم و مبارزان راه استقلال ایران دست بدست می گشت
باید از دهخوارقان نیز نام برد که بعلمت موقعیت جغرافیائی اش سر راه لشکر کشی ها
و چه بسا غارت های ناشی از انتقام قرار گرفته بود .

از اوایل تسلط اعراب تا حملات مغول به ایران وضع بدین منوال بود اگر روزگاری صلحی ناپایدار بوجود می آمد کشاورزی این منطقه رونق می گرفت و شهرها و روستاها آباد می شد در دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان دهخوارقان بطوریکه از سفرنامه ها و کتابهای جغرافیائی قدیم فهمیده می شود از شهرهای آباد و حاصلخیز آذربایجان بر ساحل دریاچه ارومیه بوده و بطور حتم و یقین مورد نظر حکمرانان و سپهسالاران قرار گرفته بود .

حکمرانان زورمند و مستبد که بر آذربایجان حکومت می کردند و فرامینی که نسبت به وصول مالیات و عوارض از مردم صادر می کردند که شامل حال منطقه دهخوارقان نیز میشد بنابراین در کشاکش روزگار بی ثبات از هرگونه دگرگونی اجتماعی برکنار نمی ماند - بفرمان حکام مخارج عده از سربازان را مردم دهخوارقان بصورت سیورسات^۱ (علوفه و نان و غذا) تهیه دیده در اختیار آنها می گذاشتند که تحمیلی از سوی حکام مستبد بر مردم این منطقه بود بعلاوه مالیاتهای سنگینی بر مردم تحمیل می کردند با حملات مغول به ایران و مبارزات جلال الدین خوارزمشاه در آذربایجان که پای مغولان باین دیار باز می شود مانند سایر شهرها و قصبات ، دهخوارقان نیز دچار غارت و چپاول می گردد و می توان از جنگهای داخلی که بین جلال الدین خوارزمشاه و اتابک اوزبک سلجوقی حکمران آذربایجان اتفاق افتاد یاد کرد.

بسال ۶۲۲ هجری در کتاب سیره جلال الدین چنین نوشته شده است :

« . . . چون سلطان بجانب عراق بکوچید بهنگام دخول به همدان از ناحیت آذربایجان پیایی خبر آمد که مملوکان اتابک و جمعی دیگر به مخالفت سلطان اتفاق

۱- سیورسات : علوفه و خواربار که برای لشکر و سپاه تهیه می کنند - لغت ترکی

کرده و در بیرون تبریز خیمه‌زده‌اند قصد دارند ملک خاموش فرزند اتابک اوزبک را شاه سازند سلطان جلال‌الدین شرف‌الملک را به مقابله ایشان فرستاد وی خبر یافت که اتابکیان در بیرون تبریزند. دو گروه در بین دهخوارقان و تبریز بیکدیگر رسیدند و شکست بر اتابکیان افتاد . . . »^۱

دهخوارقان از ولایات بسیار آباد و معروف شهرستان تبریز بود و جغرافیدانان و مورخان این آبادی را در ردیف شهرهای بزرگ آذربایجان مانند مراغه، مرند ارومیه، سراب و غیره معرفی می‌کردند که نوشته‌های مورخین و جغرافیدانان روشنگر این واقعیت است.

حمداله مستوفی قزوینی در ۷۴۰ هجری قمری در کتاب نزهة القلوب درباره شهرها و آبادیها و فاصله ولایات از تبریز چنین می‌نویسد:

« از تبریز تادیگر ولایات آذربایجان مسافت براین موجب است :

« . . . به مراغه بیست فرسنگ - مرند پانزده فرسنگ - دهخوارقان^۲ هشت فرسنگ . . . »

از راههای قدیمی آذربایجان پیش از مغول که از تبریز می‌گذشت یکی راهی بود از شاهراه خراسان که در همدان منشعب می‌شد و از آنجا به برزّه در آذربایجان (نزدیکی تکاب) میرسید و از آنجا دو شعبه می‌شد از سمت راست راه اصلی از طریق دهخوارقان - مراغه در مشرق دریاچه ارومیه به تبریز می‌رفت^۳.

۱- سیره جلال‌الدین - نورالدین محمد زیدری نسوی - ترجمه محمد علی ناصح

تهران ۱۳۲۴ شمسی.

۲- نزهة القلوب - ص ۸۹-۹۰

۳- تاریخ تبریز - دکتر جواد مشکور - ص ۲۳۶

در وقف نامه مسجد کبود تبریز معروف به عمارت مظفریه از آثار جهانشاه بن قرا یوسف ترکمان (۸۳۹-۸۷۲ هـ) که در سال ۸۶۹ هجری تنظیم شده است جزو موقوفات معروف و مهم این مسجد از باغات دروازه دهخوارقان نیز نام برده چنین می نویسد :

« املاک ویدهر (اسکوچائی) از اعمال تبریز، جوی وزیر، باغ دروازه دهخوارقان و . . . که جزو موقوفات مهم است . . . »^۱

در زمان حکومت هلاکوخان مغول که آذربایجان و حدود غرب ایران بسیار مورد توجه قرار گرفته بود بصوابدید خواجه نصیر طوسی مراغه به پایتختی ایلخانان انتخاب می شود ، حدود پایتخت هلاکوخان یعنی روستاها و قصبه های آن رو بآبادانی گذاشته کم کم این آبادیها بعنوان مراکز استراحت و تیول خاندان هلاکوخان درمی آید. از روستاها و قصبه هایی که به لحاظ موقعیت ممتاز ، آبهوای مطبوع و محصولات بی نظیرشان مورد علاقه واقع شده دهخوارقان ، ممقان ، گوگان ، شیشوان و بناب را می توان نام برد از این نظر در میان عوام شایع است که دهخوارقان همان (ده خواهر قآن) منظور یکی از خواهران ایلخانان مغول بوده و آنرا آباد کرده است ولی این نظریه صحیح نمی باشد.

در دوره ایلخانان مغول وجانشینان هلاکوخان تا دوره صفویه، این منطقه از آذربایجان بعلت دارا بودن آبهوای مساعد و محصول فراوان و از همه مهمتر راه ارتباطی و گذرگاه منحصر بفرد ، بیشتر مورد توجه حکام و فرمانروایان وقت بوده است .

در دوره صفویه و افشاریه از بخش های آباد و معروف تبریز بوده و روستائیان

و کشاورزان دهخوارقان مالیات قابل توجهی به حاکم وقت ایالت آذربایجان پرداخت می کردند .

بنا به اقتضای سیاست پادشاهان صفویه که همواره توسعه راههای نظامی و باررگانی مورد توجهشان بوده درباره آبادانی و احداث راهها دستوراتی به حکام محلی می دادند که این فرامین شامل حال منطقه دهخوارقان شده بود .

در آن زمان بر روی رودخانه دهخوارقان پل محکمی ساخته شده که مخارج و بودجه آن از طرف پادشاهان صفویه تأمین شده بود . دهخوارقان نیز مانند سایر شهرهای آباد دوره صفویه مدتها در اشغال نیروهای عثمانی بود و امروزه آثاری از آنان بچشم می خورد. این شهر قسمت مهمی از علوفه و غذای سپاهیان عثمانی را را تأمین می کرد.

در زمان حکومت قاجار که کشور ایران مرکز برخورد دو سیاست قوی و استعماری انگلستان و روسیه می شود با توجه به وصیت پطر کبیر تسار روسیه ، این دولت قصد تصرف و پیشروی در ایران و رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند را داشت بنابر این جنگ اول ایران و روس به مدت ۱۰ سال (۱۲۳۸-۱۲۴۸ هـ) و جنگ دوم به مدت ۲ سال (۱۲۴۳-۱۲۴۱ هـ) در زمان فتحعلیشاه و ولیعهدی عباس میرزا بوقوع پیوست که منجر به عقد عهدنامه ترکمانچای و گلستان گردید و در نتیجه این جنگها، آذربایجان به اشغال قوای روسی در آمد و عباس میرزا پس از قبول شکست با وساطت سر جان ماکدونالد سفیر انگلستان در ایران در قصبه دهخوارقان (آذرشهر) به ملاقات ژنرال پاسیکیویچ سردار روسی رفت و این ملاقات تاریخی در مرکز ستاد ژنرال پاسیکیویچ در آذرشهر روی داد.

در کتاب جنگ ایران و روس (۲۸ - ۱۸۲۷ م) درباره اهمیت قرارداد شوم ترکمانچای و مذاکرات بین عباس میرزا و ژنرال پاسیکیویچ و سفیر انگلستان در

دهخوارقان چنین نوشته شده است.

« . . . روز پنجشنبه ۲ شهر ربیع الثانی ۱۲۴۲ هجری قمری - دو ستون از قوای روس بخط مدافعی آجی جای رسیدند و همان شب خطوط ایرانیهارا بمباران کردند . قوای روس در تعقیب افراد فتحعلیخان رشتی بیگلربیگی شهر تبریز حرکت نموده همان روز یعنی جمعه سوم ماه بدون زدو خورد به تبریز وارد شدند . دستجات ایرانی در دو خط (تبریز - ترکمانچای) (تبریز - دهخوارقان) عقب رفتند . روسها پس از دو روز ، تمام قوا را در طسوج تمرکز داده يك قسمت مهمی را که عبارت از سواره نظام بود در خط دهخوارقان - ترکمانچای حرکت دادند . از سقوط شهر تبریز یأس و اندوه فوق العاده ای به عباس میرزا دست داد زیرا تبریز از نظر نظامی و سیاسی برای ایران اهمیت حیاتی داشت . باین واسطه مشارالیه تصمیم گرفت هر طور باشد شهر مزبور را از دست روسها نجات دهد برای این منظور سه نقطه و مرکز (ترکمن چای - دهخوارقان - دیلمقان ^۱) برای تمرکز قوا معین و اردوهای تشکیل داد . اردوی اول که غالباً از سواره نظام تشکیل یافته بود بطرف طسوج و اردوی دوم در کنار سواحل شرقی دریاچه رضائیه (ارومیه) تمرکز و اردوی سوم از راه (ترکمن چای - تبریز) حرکت نمودند .

ژنرال پاسیکویچ دستور داد در ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۴۳ هجری از حرکت اردوی اول عباس میرزا در مغرب طسوج جلوگیری شود . ایرانیان پس از عدم موفقیت مجبوراً بسمت ارومیه عقب نشینی کردند باین ترتیب عباس میرزا را استخلاص تبریز بلا نتیجه ماند .

در تاریخ ۱۶ و ۱۷ ربیع الثانی در خطوط جنوبی، دسته جات ایرانی تعرضاتی

۱ - دیلمقان قصبه ای آباد در کنار شهر سلماس (شاهپور آذر بایجان غربی)

بعمل آوردند ولی عملیات آنها نیز عقیم ماند و روسها از کوههای سهند سرازیر شده قریه ترکمن چای را متصرف گردیدند و در خط دهخوارقان هم موفقیت باروسها شد. محاربه (طسوج - ترکمن چای - دهخوارقان) آخرین جنگ دوم ایران و روس شناخته می شود فرمانده کل قوای ایران بنا بر حکم دولت، بیژن خان را برای طرح متاز که جنگ به نزد ژنرال پاسیکویچ فرستاد، ژنرال پاسیکویچ در جواب بیژن خان گرجی قبول متاز که را اطلاع و در ضمن تقاضا نمود با فرمانده کل قوا ملاقاتی بعمل آورده در اطراف شرایط متاز که مذاکره نماید محل ملاقات را هم در هشت فرسخی مراغه در قصبه دهخوارقان معین کرد و در ۲۵ ماه ربیع الثانی ۱۲۴۳ هجری قمری عباس میرزا به اردوگاه ژنرال پاسیکویچ در دهخوارقان روانه گشت و در این محل همدیگر را ملاقات کردند.

مذاکرات راجع به متاز که جنگ ۴ روز طول کشید و نتیجه معلوم نشد ولی روز بعد روسها پیشنهادات خود را تغییر داده بطور موقت شرایط متاز که جنگ را امضا کردند.

بموجب این قرارداد موقتی که در دهخوارقان بسته شد بنا شد قراولهای طرفین يك فرسنگ از همدیگر دور شوند و قوای روس حق داشته باشد تا قصبه میانج (شهر میانه امروزی) رفته در آنجا اردوگاه تأسیس نماید.

ایلچی دولت امپراطوری انگلیس (سرجان ماکدونالد) برای عقد مصالحه بین دولتین روس و ایران واسطه شد و فرمانده قوای روس را ملاقات نمود و اولتیماتوم دولت انگلیس را در این خصوص باو اطلاع کرد و از طرف دولت عثمانی هم بنا بر وضعیت سرحدات شرقی طرفین ملاقاتی بعمل آورد بالنتیجه دولتین روس و ایران برای صلح حاضر شدند و محل انعقاد صلح را مثل سابق در قریه ترکمن چای واقع در محال هشتروند انتخاب کردند . . . »

محل ملاقات عباس میرزا با ژنرال پاسکیویچ، امروزه در آذرشهر بنام محله (پازیکی) معروف است و پازیکی میدانی یا (میدان پاسکیویچ) و حمام و محله‌ای بهمان نام وجود دارد که از یادگارهای تاریخی ملاقات شاهزاده عباس میرزا با ژنرال پاسکیویچ در دهخوارقان است.

از اواخر حکومت قاجار حکمرانی و وصول مالیات حدود شرقی دریاچه رضائیه و تمام منطقه دهخوارقان به یکی از شاهزادگان واگذار گردید.

در زمان انقلاب مشروطیت ایران، تبریز مرکز ایالت آذربایجان بیش از تهران نقش حساس و قابل توجهی داشت و اقتصادش از سایر شهرها شکوفان‌تر بود و در آسیای غربی از نظر وفور نعمت نظیر همتانی نداشت.

راه عبور و گذرگاه تجار و آزادیخواهان و روشنفکران و طبقه علما و زوار که عازم عتبات عالیات و مکه معظمه بودند از دهخوارقان و حدود غربی‌اش بوده که این مسافرها با گاری و اسب انجام می‌گرفت و دهخوارقان و گاوگان دومین منزل بعد از تبریز تا کردستان و مراغه به حساب می‌آمد.

در بلوای تبریز (۱۳۲۶-۱۳۲۵ هجری قمری) و آغاز استبداد صغیر راه تبریز مراغه دهخوارقان از طرف صمدخان شجاع‌الدوله مراغه‌ای مسدود شد که آزادیخواهان و دلاوران دهخوارقان با مردم مجاهد و قهرمان تبریز متحد شده توانستند پس از مبارزات شدید راه تبریز به مراغه را باز کنند. در قیام دلاوران مردم تبریز بر علیه محمدعلیشاه همواره مردم و آزادیخواهان دهخوارقان رشادتهائی نشان داده و با مجاهدان تبریز همکاری ثمر بخشی داشتند. خوبست به خاطرات دو جهانگرد معروف توجه شود:

هنری راولینسون Henry Rawlinson از افسران برازنده ارتش انگلیس که به خدمت در ایران مأمور شده بود در خزان ۱۲۵۴ هجری قمری - اکتبر ۱۸۳۸ میلادی از تبریز بیرون آمد هدف و غرض راولینسون در این سفر دست یافتن به پاره‌ای از سنگ نبشته‌های دوران تمدن مادها بود در سفر خزان ۱۲۵۴ حاصل مشاهدات

وی بر اطلاعات جغرافیدان و علاقمندان افزود .

در عهد راولین سون گوگان عبارت از چندین دهکده آباد پیوسته به هم از توابع دهخوارقان بود که با مرکزش در حدود پنج میل یعنی يك فرسنگ و ربع فاصله داشت .

در این ناحیه از آذربایجان مثل بسیاری از نواحی معمولاً ده را باغهایی از هرسو بمانند انگشتی در میان گرفته بود و مسافر ناگزیر بود که در حدود يك چهارم فرسنگ از وسط این باغها پیچ اندر پیچ راه بسپرد تا به خود ده برسد. در عرض ده سال از ۱۲۴۴ تا ۱۲۵۴ هجری قمری دوبار ،گوگان بر اثر سیل آسیب دید و چنین بنظر می‌رسید که رودهای خروشان کوههای سه‌پنج سال یکبار سر ناسازگاری داشتند .

به گفته راولین سون بهترین ملاك رونق و آبادانی هر دهکده از مقدار مالیاتی که دهاتیان به دولت می‌پرداختند معلوم می‌شد . در آذربایجان که شیوه مالیاتی از عهد شاهزاده عباس میرزا تابع اصول وقواعد صحیح و مرتبی گردیده بود میانگین میزان بدهی مالیاتی هر خانواده از پنج تومان تجاوز نمی‌کرد .

روزی و ترقی ناحیه دهخوارقان و بویژه گوگان را باید از آنجا قیاس گرفت که معمولاً میزان مالیات هر خانواده هشت تا نه تومان بود ^۱ .

وضع برزگران و کشاورزان این ناحیه بمراتب بهتر از سایر دهها و روستاهای ایران بود گوگان و دهخوارقان و نواحی اطراف آنها مقدار زیادی چوب و میوه به بازار تبریز صادر می‌کردند باغهای این ناحیه اکثراً به بازرگانان تبریز تعلق داشت.

۱- جغرافیای تاریخی آذربایجان - گیلان - مازندران - ص ۱۵۰ - ابوالقاسم طاهری

آنهائی که مالک زمین نبودند معمولاً با گرفتن اجازه از حکومت و دادن اجاره مختصری به احتمال سود جوئی، در زمینها درختکاری می کردند. آمار دقیق راولین سون نشان می دهد که بازرگان یا باغدار در برابر وادای هر طناب زمین (۴۰۹۶ ذرع مربع) مبلغ يك پنا باد = دهشاهی = نصف یکریال) به دولت مالیات میداد.

دستمزد برزگر یا اجرت کار در کشتزارها مانند بیشتر نقاط ایران يك پنجم محصول بود و یا افراد را در ادای يك پنا باد مزد روزانه برای کار اجیر میکردند.

دهخوارقان (آذرشهر فعلی) همان محل مشهوری است که پس از افتادن تبریز به چنگ روسها دیدارگاه و جای مذاکرات میان کنت پاسکویچ ژنرال قشون روس و شاهزاده عباس میرزا بود به نظر راولین سون پیشینه ای کهن داشت و شاید از خود تبریز کهن سالتز بود^۱.

اس. جی. ویلسون S. G. wilson مؤلف کتاب (عادات و زندگی ایرانیان) کشیشی از فرقه پرسی بی تریان Persbyterian امریکا بود که برای ترویج دین مسیح به تبریز رفت و مدت چهارده سال عمر خویش را در تبریز گذرانید (۱۸۸۰ میلادی- ۱۲۹۶ هجری قمری) گاهی ویلسون ابهت کوهها و زیبایی طبیعت آذربایجان را با احساس شاعرانه در قالب جمله های کوتاه و ساده ای وصف می کند. فصلی بزرگ از کتاب وی اختصاص به سفر درازی به دور دریاچه رضائیه دارد و ضمن سفر بسوی گوگان و دهخوارقان چنین می نویسد:

«هر چند جاده از میان دشتی شنی می گذشت کوههای بلند باشکوهی پیوسته پیوسته در برابر نظر مسافر بود، درستی سهند و در طرف دیگر دریاچه شاهی و آنسوی دریاچه مزبور کوههای کردستان و قرارگاه قومی غبور، جنگجو و آشتی ناپذیر چشم

می‌خورد . چون از دماغه کوهستان گذشتیم دیری نپائید که خود دریاچه ارومیه برابر نظرمان پدیدار شد و سپس بردشت گویگان که اندک برآمدگی آن را از دهخوارقان جدا می‌کرد نظر افکندیم .

دهخوارقان قرارگاه حاکم این ناحیه است که با مردمی سرکش سروکار دارد و وظیفه‌اش دشوار است. تلگراف خانه و پست خانه هر دو در گویگان وجود دارد و جمعیت دوشهر گویگان و دهخوارقان ده تا پانزده هزار نفر است.

بی‌گمان این یکی از دلپذیرترین مناظری بود که من تا کنون در ایران دیده بودم. هنگام خزان همه چیز خشک و دل‌افسردہ تر بنظر میرسد با آمدن زمستان بی‌حاصل زمین نمودارتر می‌شود اما اکنون در بهار طبیعت به غایت خرم و جالب‌ترین پوشش را براندام آراسته بود .

کشتزارهای پست و بلند با جوانه‌های گندم رویان پوشیده شده ، میوه‌خانه‌ها و باغهای پهناور این ناحیه يك پارچه شکوفه گشته بود و در برابر دورنمای سبزی ، شکوفه‌های بادام و زردآلو با رنگهای لطیف منظره بسیار دلکشی ایجاد می‌کرد . سبزی و شکوفه چندان بود که گوئی گویگان و دهخوارقان در زیر رستنی‌ها از نظر ناپدید گردیده است رود دهخوارقان بر اثر آب شدن برف‌ها چون سیل خروشان به راه افتاده بود و نهرهای مالمال آن که هزاران بید و چنار در کنار داشت کشتزارها را سیراب می‌کرد »

ویلسون این بخش از خاک آذربایجان را از لحاظ زمین شناسی منطقه بسیار جالبی دیده است . مسافر آگاه و تیزبین به هنگام سفر می‌دید که چشمه‌های گوگرد رسوبات خود را در دامن تپه‌ها برجامی‌نهد و لایه‌هایی از سنگ آهک و مرمر کف جاده‌ها را تشکیل می‌دهد. صدای سم اسبان بر روی زمین چنان طنینی ایجاد می‌کرد که سوار می‌دانست بر بالای سقف غارهایی زیرزمینی در حرکت است . بزودی

ویلسون و همراهانش به جایی رسیدند که می توانستند بدرون این غارها راه یابند .
غارهای مزبور چند اشکوبه بود و هراشکوبی در حدود بیست پا ارتفاع داشت در
کنار کوه یکی بر بالای دیگری دهان باز کرده بود . . .

بر روی سقف این غارها و کناره ها آنها شکلهای گوناگون عجیبی بر اثر بیرون
آمدن آبهای معدنی از دل صخره های پرخلل و فرجی تشکیل گردیده بود. در نزدیکی
این غارها پاره ای از کانه های مرمر مشهور وجود داشت که بی گمان نمونه های زیبایی
از آن مرمر را در ساختمان مسجد تبریز بکار برده بودند.

در آن تاریخ نوعی از مرمر شفاف به رنگ شیر و باخالهائی سرخ و سبزرنگ
از این کانه ها بیرون می آمد که در تزئین خانه های اعیانی و برای روشنائی سقف گرمابه های
تبریز بکار می رفت .

استفاده از این گونه مرمرها که ظاهراً در عهد تیمور برای تزئین
کاخ وی در سمرقند و در دوران صفویان برای آرایش کاخها و مسجدهای اصفهان و در
اوج قدرت نادر برای ساختمان قصرهائی در کلات و مشهد بکار رفته بود درسی ساله
آخر سده نوزدهم میلادی بواسطه دشواری باربری و هزینه گزاف بهره برداری موقوف
گردیده بود^۱ .

ویلسون در مورد محصولات کشاورزی و خشکبار مراغه و دهخوارقان
می نویسد :

« . . . کشمش نزرگترین کالای صادراتی این ناحیه محسوب می شود. تنه ارقم

۱- معدن سنگ مرمر سردار آباد در حومه آذرشهر دارای بهترین نوع مرمر است که

در حال حاضر بهره برداری می شود و منظور ویلسون از معادن مرمر همان منطقه حومه
آذرشهر می باشد .

صحیح و دقیقی که در باره صدور کشمش در دست است اختصاص به سال ۱۸۹۴ میلادی است که در آن سال از ناحیه ارومیه و مراغه و دهخوارقان بر روی هم نهصد و نود تن کشمش از راه آستارا به خارجه صادر گردید این مقدار کشمش را کاروانی مرکب از پنجاه و چهار هزار اسب و استر والاغ حمل می کرد^۱.

۱- جغرافیای تاریخی گیلان - مازندران - آذربایجان - ابوالقاسم طاهری - ص ۱۷۰

اوضاع طبیعی

زمین شناسی و خاک - آبها - آبهای معدنی

آذرشهر در منطقه کوهپایه‌ای و نیمه کوهستانی قرار دارد - سرتاسر شرق و جنوب آن را کوههای سهند غربی بنامهای قاف داغی (۲۲۱۹ متر) - ترشکوه (۲۲۹۰ متر) - قدمگاه - قبله داغی (۲۳۶۹ متر) - آلمالو داغ - گنبر داغی پیر چوپان (۲۶۱۵ متر) - یارقان داغ (۲۷۹۹ متر) و هرگلان داغی فرا گرفته‌اند . در شمال شرق آذرشهر کوههای ینگجه معروف به کوههای جهنم واقع شده است . در مرکز دریاچه رضائیه و جزایر آن مانند جزیره شاهی کوههای مرتفعی بنامهای: چقلو داغی و قالاداغی قرار دارند بعلاوه در حوالی شهر تپه‌های کوچکی چون پیر قطران یوا داغی - قزل داغ دیده می‌شود که بنام تپه شاهد معروف است .

سلسله کوههای جنوبی و شرقی عموماً برفگیر هستند و بزرگترین و مهمترین منبع رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای این منطقه می‌باشد .



سلسله جبال سهند غربی (قبله داغی و ترشکوه)



قاف داغی و ارتفاعات قدمگاه (سهند غربی)

آذرشهر در يك جلگه مسطح و دامنه کوهستان که شیب آن بطرف دریاچه رضائیه بوده واقع شده است تپه‌های کوچک و کم ارتفاع آذرشهر مشخص‌کننده فرسایش کوههای سهند غربی در دورانه‌های مختلف زمین‌شناسی بوده و باقیمانده کوههای سهند غربی حاصل فرسایش آبهای روان میباشد.

جلگه آذرشهر روی رسوبات دوران چهارم بنا گردیده است این رسوبات توسط رودخانه دهخوارقان و قوری دره و چند رود کوچک دیگر بجا گذاشته شده است. رسوبات مزبور حاصل يك رسوب گذاری مداوم و یکنواخت بوده و هیچگونه آبرفتهای پلکانی (تراسی) که نشان دهنده تغییر سطح اساسی یا ارتفاع یابی محل باشد بچشم نمی‌خورد این رسوبات از قلوه سنگها و مارن و شن تشکیل شده‌اند. قسمت شمالی جلگه بیشتر از جنس شن بوده و مشرق و جنوب شرقی‌اش از سنگهای آتشفشانی حاصل فعالیت‌های آتشفشانی کوههای سهند و در دوران سوم ساخته شده است^۱.

سن این سنگ‌های داخلی آتشفشانی به پالئوژن دوران اول و دوران سوم می‌رسد.

قسمت اعظم از جنوب غربی جلگه آذرشهر تا دریاچه رضائیه از اراضی و رسوبات دوران سوم یعنی ژوراسیک و کرتاسه ساخته شده است.

در سال ۱۳۱۹ شمسی هیئتی از طرف دانشکده علوم و زمین شناسی دانشگاه تهران مأمور می‌شود که مطالعاتی در زمین شناسی آذربایجان شرقی بعمل آورده و نمونه‌های فسیل جمع‌آوری شده را به موزه زمین شناسی دانشگاه تهران منتقل نمایند. در اثر کاوش‌های مداوم، فسیل بسیار مشخصی از آرواره فسیل (ماستودن پانته‌لیس)

۱- تحقیقات زمین شناسی از آقای دکتر جواد زمانی است.

که از اجداد فیل امروزی میباشد در یکی از قنوات آذرشهر (دهخوارقان) بدست می آید که این فسیل از نظر علمی دارای ارزش بسیار زیادی است.

پیدایش فسیل اجداد فیل ها در منطقه آذرشهر و حومه مراغه (کیرج آوه) نشان می دهد که در حدود میلیون ها سال پیش ، این قسمت از خاک آذربایجان دارای آب هوای گرم و مرطوبی بوده است و در دورانهای کهن زمین شناسی سرتاسر این منطقه را جنگلهای انبوه پوشانیده بود.

این فسیلها مربوط به دوران دوم زمین شناسی (میوسن) می باشد که در طبقات ته نشین های آبهای شیرین ماسه های رودخانه و توف ها و خاکسترهای آتشفشانی سهند قرار گرفته اند و وجود معادن ذغال سنگ نشان می دهد که سابقاً این منطقه را جنگل های انبوه فرا گرفته بود .

بیشترین موجودات عظیم الجثه مانند زرافه - اسب - کرگدن و خوک و غیره که در جنگلها و چمن های وسیع زندگی می کردند در اثر فعالیت های آتشفشانی سهند زیر خاکسترهای آتشفشانی مدفون شده بحالت فسیل در آمده اند .

مهمترین پستاندارانی که در حوالی میان آذرشهر و مراغه کشف شده عبارتند از : اسبها (هی پارین گراسیله) فیل ها (ماستودن پانته لیس) کرگدن ها (رینوسروس مرگانی) ببرها (فلیس آتیکا) میمون ها (پنته کوس) و غیره می باشد.

آب وهوا

آذرشهر از نظر چگونگی آب وهوا يك تفاوت کلی با سایر بخشهای مناطق کوهستانی آذربایجان داشته و از يك تمایز مخصوصی برخوردار است . موقعیت قرار گرفتن آن از نظر جغرافیائی در آب هوایش اثر بخصوصی دارد. دوری و نزدیکی

بدریاچه رضائیه ، واقع شدن در دامنه کوهستانها - ارتفاع محلی اش در تعیین نوع آب هوا بی تأثیر نمی باشد.

غرب آذرشهر دریاچه رضائیه و مشرق و جنوب آن سلسله کوهستان مرتفع سهند غربی و شمال اش جلگه های مسطح می باشد لذا حدود غرب آن درمقیاس محلی تحت تأثیر آب هوای دریاچه رضائیه واقع شده بحدی که با مقایسه سایر نقاط می توان گفت يك نوع آب هوای مدیترانه ای نیمه خشك در آذرشهر وجود دارد .

کوه های مرتفع جنوب و شرق آن بسیار برف گیر و سرد کوهستانی است باین علت روستاها و نقاطی که از آب هوای مساعد و مرطوب دریاچه رضائیه بهره مند میشوند تا حدودی باران بیشتری دریافت میدارند . ابرهای باران زا که از فراز ترکیه و از منطقه دریای مدیترانه و از غرب آذرشهر می گذرند بیشتر منطقه مزبور را تحت تأثیر قرار میدهند که در جلگه های این منطقه در زمستان باران و در کوهستانها بصورت برف می بارد.

زمستان آذرشهر مانند تبریز زودرس و سردتر و طولانی نیست. تابستانش ملایم و مطبوع می باشد و گرمای شدیدی ندارد مردم روستاهای مشرق آذرشهر که در منطقه کوهستانی قرار دارند در اولین روزهای آبان پوشش سفید قله های سهند غربی را مشاهده کرده در اتمام کارهایشان در مزارع شتاب می نمایند و زمانی که کوهها عرقچین سفید بسر می گذارند روستائیان در می یابند که آغاز زمستان نزدیک است .

زمستان آذرشهر از اواخر آذر ماه شروع و برخلاف سایر بخشها که زمستان با اسفند ماه پایان نمی پذیرد در آذرشهر و روستاهای جلگه ای آن عملا از نیمه دوم اسفند زمستان تمام می شود.

از نیمه اسفند بخش اعظم برفها آب شده و رودها پر آب می شود با توجه به پستی و بلندی که جنوب و مشرق آنرا اشغال کرده اند و بادر نظر گرفتن عبور جریانهای

هوایی معتدل از سوی مدیترانه و بخارات منطقه‌ای دریاچه رصائیه از سوی غرب ، این شهر دارای آب‌هوای معتدل و بسیار مناسب برای کشاورزان و تقریباً مفید بحال مردم فعال و کشاورز در این منطقه می‌باشد.

باران - برف - بادهای

باران غیر از بهار موسم و وقت معینی ندارد گاهی ریز و زمانی درشت و سیلابی و شدید می‌بارد اعتقاد اهالی بر این است که اگر گوشه آسمان در سمت جنوب غربی تیره‌تر شود و ابرهای سیاه و متراکم آسمان را بپوشاند باران خواهد بارید. ابرهای باران‌زای منطقه آذرشهر حامل بخارات دریای مدیترانه و دریای سیاه است که از فراز ترکیه گذشته در آذربایجان با برخورد کردن به کوه‌های مرتفع بصورت باران ریزش می‌کند :

سه نوع باران در منطقه آذرشهر می‌بارد:

باران سفید (آغ یاغیش) با دانه‌های درشت بصورت رگبار می‌بارد و پربرکت برای کشاورزان است.

۲- باران ریز (نارین یاغیش) که آرام بادانه‌های ریز می‌بارد و ممکن است چند روز پی در پی ادامه یابد زمانیکه باران ریز می‌بارد کار کشاورزی در صحرا ناتمام می‌ماند.

۳- تگرگ (دولی) با دانه‌های درشت یخ زده و سخت و منجمد و باشدت می‌بارد که ضرر کلی به کشاورزان وارد می‌کند و بدن‌بالش سیل جاری می‌شود .

۴- کولاک (آلاچرو) که دانه‌های برف را از چپ و راست همراه با باد شدید پراکنده می‌کند.

۵- برف سرمهرغی (قوش باشی) برف با دانه‌های درشت و آرام می‌بارد و مقدار برف در مدت کم افزایش می‌یابد و ستائیان این برف را که آرام می‌بارد پربرکت دانسته آنرا لحاف مزارع می‌دانند .

بادهای معروف که در منطقه آذرشهر می‌وزد :

۱- باد پائیز (پائیزی) - با سرعت می‌وزد و کولاک‌شن همراه دارد و برای حیوانات در صحرا بسیار خطرناک است با وزیدن این باد گله‌ها را از صحرا بخانه روانه می‌کنند .

۲- باد مه (مه یلی) در شمال و شرق می‌وزد باد سرد خشکی است که با برف همراه است .

۳- باد سفید (آغ یل) اوایل اسفند و فروردین از سمت جنوب غربی می‌وزد باد گرم و مرطوبی است که یخ‌ها را آب کرده رطوبت را خشک می‌کند اگر در بهار بوزد باران می‌آورد و در زمستان پس از آغ یل همیشه برف سنگینی می‌بارد .
آغ یل باد گرم و مرطوبی است که گویند به زمین نفس آمده و در بهار درختان و شکوفه‌ها را بیدار می‌سازد این باد همواره از فراز ترکیه و از سوی دریای مدیترانه بسوی ایران از منطقه غرب کشور می‌وزد .

رودخانه دهخوارقان (توفارقان چائی) :

منشا آب رودخانه دهخوارقان (آذرشهر) از دیواره غربی کوه‌های سهند و تقریباً از ارتفاع سه هزار متری است. آب این رودخانه از برف‌های کوه‌های مرتفع و چشمه-سارهای متعددی است که بهم پیوسته رودخانه نسبتاً عریض و پرآبی را بوجود آورده و از مشرق به مغرب جریان دارد و در بستر علیایی رودخانه بنام گنبرچای معروف است که پس از مشروب کردن روستاهای گنبر - کردیوار - مجارشین - قرمز گل به حدود آذرشهر می‌رسد.

بستر رودخانه دهخوارقان نشان دهنده تغییرات سطح و ارتفاع آب آن است زمانی ارتفاع آب بحداکثر و گاهی بحداقل میرسد در فروردین سال ۱۳۴۸ بعلت بارندگی‌های شدید و ذوب برفها در ارتفاعات سهند غربی چون بستر رودخانه قادر بانتقال تمامی آب نبود لذا سبب طغیان گردیده خساراتی به دهستان گوگان و سایر روستاها وارد شد که امروزه سرتاسر کناره شمالی رودخانه را سد بندی کرده‌اند و سیل برگردانهای متعددی بنا شده تاروستاهای مسبرس را تهدید نکنند .

فاصله سرچشمه وبستر رودخانه زیاد بوده ودهات سر راه استفاده سرشاری از آب رودخانه بعمل می‌آورند وپس از مشروب کردن روستاها از مشرق دریاچه رضائیه به آن می‌ریزد .

طول رودخانه قریب ۶۰ کیلومتر است ودرمواقع بارندگی بصورت سیلابی جریان می‌یابد رود قوری دره از کوههای ینگجه سرچشمه می‌گیرد . دو رودخانه دهخوارقان وقوری دره دائمی نبوده بلکه فصلی می‌باشد پربترین ماهافروردین و اردیبهشت و اواخر پائیز وزمستان است.

رونق کشاورزی وفعالیت‌های روستائی درمنطقه آذرشهر بستگی به جریان دو رودخانه مزبور دارد درمواقع که به آب آن احتیاج نیست درمسیر مصب شوره زار خود بسوی دریاچه جریان می‌یابد .

آبهای معدنی وچشمه های آهك ساز :

دربخش آذرشهر درپای کوه ندیلی (نادینلو) که یکی از سه پایه کوه سهند می‌باشد يك چشمه آب معدنی آهن داروگاز سردی یافت می‌شود که گرمی آن درحدود ۲۳ دوجه بوده ورسوبی ازاكسید آهن روی سنگهای مسیر آبها دیده می‌شود .

چشمه معدنی تاپ تاپان

درکنار جاده آسفالته تبریز- مراغه ، ۵ کیلومتر بسوی مراغه درست راست

جاده راه فرعی جیب روی وجود دارد که پس از طی هفتصد متر تقریباً به چشمه معدنی تاب تا بان می‌رسد این چشمه در گذشته مظهرهای مختلفی داشته است که اغلب خشک شده و سنگهای کربناته رسوبی بجای گذاشته‌اند .

بررسی و آزمایش آب معدنی آذرشهر بقرار زیر است:

رنگ : تیره

مزه : ملحی و گسی

منظره : زلال

درجه حرارت آب : ۱۷

درجه حرار محیط : ۲۸ در سایه

ارتفاع از سطح دریا : ۱۳۶۰

PH آب در سرچشمه ۱۶/۲ (بسوی قلیائی)

هدایت الکتریکی در سرچشمه برای ۲۰ درجه حرارت ۴۵۰۰

گاز کربنیک آزاد در سرچشمه ۴۲۲ میلی گرام

هیدروژن سولفور : منفی

سنگینی بر حسب کربنات کلسیم : ۳۰۰۰

قلیائی بر حسب کربنات کلسیم ۲۵۵۰

بیکربنات قلیائی خاکی بر حسب $\text{Co}_3 \text{H}_2$ ۳۲۴۰ میلی گرم .

کلورورها بر حسب Cl ۲۶۶ میلی گرم

سولفاتها بر حسب So_4 ۳۰۰ »

کلسیم بر حسب $\text{Ca}++$ ۱۰۳۵ »

منیزیم بر حسب $\text{Mg}++$ ۱۲۳ »

آهن بر حسب $\text{Fe}++$ ۶ »

»	۲۶	سیلیس بر حسب SiO_2
		آمونیاك منفی
	»	نیتريت
	»	نیترات



آب معدنی تاپ تاپان

فعلاً در این ناحیه از چهار محل آب از زمین خارج می شود . سه مظهر آن حوضه طبیعی با عمق نیم متری را تشکیل داده و آب آنها بطرف حوض مستطیل شکل 5×7 متر که دور آن سنگ چین کرده اند جریان می یابد در این حوض است که اهالی روستاهاً استحمام می کنند . آب آن حوض از مجرائی که در ضلع شرقی آن قرار

دارد خارج می‌گردد. آب ده چشمه در حدود چند لیتر در دقیقه است^۱.
بررسیهای محلی و آزمایش آب چشمه معدنی تاپ تاپان در جدول بالا نوشته
شده و این آب در ردیف آبهای معدنی بیکربناته کلسیک و منیزین گاز دار و آهن دار
سرد است.

در غرب آذرشهر تپه‌های قرمز رنگی است بنام قزل داغ که آبهای آهک دار
و گاز دار پس از خروج از زمین تبدیل به رسوبات آهکی شده بتدریج سفت و
سخت می‌شود و تبدیل به نوعی از ترکیبات آهکی می‌گردد و از سوراخهای کوه
گازهای آهکی با صدای مخصوصی خارج می‌شود. بطوری که در خاطرات اس-جی
ویلسون جهانگرد معروف امریکا ذکر شد معروفترین مرمر آذربایجان در منطقه جنوب
غربی آذرشهر در کنار جاده بین تبریز- مراغه بطور فراوان بدست می‌آید که
برنگهای سفید شیری- قرمز و سبز است و در بعضی از چشمه‌های رسوبی نزدیک
این شهر سنگی شبیه مرمر ایجاد می‌شود که به چشمه‌های مرمر معروف است و شاردن
جهانگرد فرانسوی در سفرنامه خود بآن اشاره کرده است این معدن بنام سردار آباد
معروف می‌باشد ملاحظه‌ای تبریزی در تاریخ خود معروف به تذکره حشری می‌نویسد که:
«در قریه بادامیار دهخوارقان در حوالی قبر میر چوپان چشمه‌ای است که
آب صافی از زمین می‌جوشد و بهر جانب پهن گشته سنگ مرمر پر جوهر می‌شود دو
سنگ از آن به تبریز آورده‌اند که طول یکی هفت ذرع و دیگری هشت ذرع و
عرضش ۵ ذرع است یکی را عمارات فندقیه و دیگری را به عمارت جهانشاه نهاده‌اند.
اکثر عمارات عالی که در تبریز هست بخصوص عمارات و مساجد غازانی و
مدارس رشیدیه - علائیه - دمشقیه - مرجانیه - هارونیه - مظفریه - مقصودیه و ...

و چهل و شش بقعه که در تبریز است و سایر عمارات و حمامات و مزارات بدان سنگ مزین است و به عراق و خراسان به طوس و اصفهان جهت عمارات شاهی میبرند». نادر میرزا در تاریخ دارالسلطنه تبریز می نویسد:

«... کان مرمر به جنوب تبریز در ناحیه دهخوارقان بساحل بحیره (دریاچه) (چیچست) (رضائیه) است و نام آن داش کسن^۱ که به پارسی سنگتراش گویند بدان زمین گیاه نروید و چون دواب گذرند صدائی کند که میان تهی باشد این مرمر از خاک بیرون کشند و با قلم پولاد ببرند و برشترها به تبریز حمل کنند و به ذرع فروشند من در جهان کان مرمر چون این معدن بسختی و روشنی و جوهر و قبول صیقل نشنیده ام^۲».

۱- ظاهرأ همان داش کسن جزء دهستان شیرامین از بخش دهخوارقان (آذرشهر) شهرستان

تبریز است.

۲- تاریخ دارالسلطنه تبریز- نادر میرزای قاجار ص ۸۶-۸۹

آثار تاریخی

آذرشهر از نقاط تاریخی است که آثار متعددی بشرح زیر دارد :

۱- گورستان پیرحیران :

این گورستان بنام خواجه یوسف دهخوارقانی ملقب به پیر حیران یا بابا حیران دهخوارقانی معروف شده و گورستانی است بزرگ ، واقع در میان باغها . در میان گورستان اطاق کوچکی وجود دارد که جسد خواجه یوسف در آن ب خاک سپرده شده است .

سنگ نبشته مرمرین بزرگی بر روی دیوار غربی اطاق نصب کرده اند که نوشته متن آن عبارت است از «کل شی هالک الاوجه وله الحکیم»^۱ . یاغفار الذنوب ویا ستار لعیوب . کل نفس ذائقة الموت . هذا روضه المرحوم المغفور السعید المبرور الشاب الاعز الاکرم بین الاکابر و الامم و الراجی الی رحمة اله الملك الاحد حاجی

۱- از آیه ۸۸ سورة القصص قرآن مجید (هر چیزی نابود است جز روی او وفرمان

الحرمین والشریفین . شیخ الشیوخ یوسف الملقب بالحیران . توفی فی الیله الجمعہ فی سلخ شهر جمادی الاولی سنہ ثمان و اربعین والف من الهجرة النبوتہ علیہ التحیہ . بتاريخ ۱۱۵۹ هـ . ق . عالیقدر حکم بیک بن زکریا بیک در تعمیر ابن مقبرہ مبارکہ کوشید .

البته تاریخ وفاتی که در این سنگ نبشته برای پیر حیران درج شده اشتباهی است و قابل اعتنا نیست و کتیبه ناخوانائی که در روی قبر هست تاریخ وفات درست پیر را که در محرم ۶۷۰ هجری در گذشته می تواند ارائه کند.

مقبره پیر حیران زیارتگاه است . در لیالی متبرکه در آن جا شمع روشن میکنند و همت می طلبند^۱ .

شرح حال خواجه یوسف به تفصیل در کتاب (روضات الجنان و جنات الجنان) نوشته حافظ حسین کربلائی درج گردیده و کشف و کرامت و کارهای خارق العاده متعددی به وی نسبت داده شده است.

وی در جوانی راهی مصر شده سپس به تبریز آمده و بارها به خراسان سفر کرده و تاسرانجام به مولد خود دهخوارقان بازگشته و دو برادرش بابا لیث و حاجی حسن برای او خانقاهی ساختند و به قول حافظ حسین کربلائی « از اطراف و اکناف محبان و مخلصان و مریدان گرد آمده و از بحر خاطر فیاض وی مستفیض گردیده و از شراب اذواق جرعه ها کشیده اند . . . و خواجه در دهخوارقان مابقی ایام بسر برده تا در شهر محرم الحرام سنه سبعین و ستمائنه به جوار رحمت ایزدی پیوسته در ایام سلطنت ابا قاسم بن هلاکو خان. » (۶۷۰ هـ . ق)

در بیرون مقبره پیر حیران سنگ قبرهای زیادی به صورتهای مختلف وجود دارد از آنجمله سنگ نبشته‌های مرمرین بالاسر قبر امیر حسن چوپانی و خواجه پیرعلی را می‌توان نام برد و این شعر به چشم می‌خورد :

متوسل به لطف یزدانی حسن بن علی چوپانی

در پشت سنگ مزبور نوشته شده :

« ای دریغا زمیر حاجی حسن که نبودش در این جهان ثانی

بود نخلی ز بوستان کرم آن خجسته نهال چوپانی

شد ز فیض‌اله تاریخش چون رسید او به فیض یزدانی

نهند و سی و نه هجرت بود که برفت او ز عالم فانی »

تاریخ مندرج بر سنگهای مقابر این گورستان غالباً نماینده قرون ۹ و ۱۰ و ۱۱

هجری است .

در پائین پای خواجه پیرعلی قطعه سنگ مرمرین درشتی بر روی قبری نهاده

شده که در یک طرف آن رباعی ذیل :

« این چرخ فلک که را بکام دل باز رساند

کز جام فراق شربت غم نچشانند

سروی که مرا اقامتش بود هوس

صد حیف که روزگار در خاک کشاند

در گورستان پیر حیران همچنان که اشارت رفت عده کثیری از اهل علم و

عرفان به خاک سپرده شده‌اند از آنجمله میتوان ملا یوسف دهخوارقانی را نام برد^۱

۱- اولاد ملا یوسف دهخوارقانی غالباً در تبریز سرشناس و معروف بودند . نوه او

شمس‌العلماء، میرزا یوسف، استاد و رفیق نادر میرزای قاجار بود . ضیاء‌العلماء فرزند شمس‌العلماء *

وی را عالم و زاهد و صاحب کشف و کرامت ذکر کرده اند . سال درگذشت وی را ۱۰۹۵ هـ . ق و ماده تاریخ وفاتش را عبارت « داخل جنت باد » قید کرده اند .

مسجد چارسو :

مسجد ستوباد یا چارسو در نزدیکی چشمه چارسو واقع شده است ۱۸ ستون چوبی دارد ستونها همه چوبی و تقلیدی از سرستونهای دوره صفوی است . ظاهر آبنای نخستین مسجد فرو ریخته و چند بار تعمیر و تجدید بنا یافته و سرانجام بصورت کنونی درآمده است .



* نیز اهل علم بود و از رجال صدر مشروطیت بشمار می رفت و همان است که در عاشورای محرم سال ۱۳۳۰ هـ . ق سربازان روسی وی را با ثقة الاسلام و چند تن دیگر در سربازخانه قدیم تبریز بجرم آزادیخواهی بدار کشیدند . آثار باستانی آذربایجان - آقای کارنگت ص ۴۷۸ .

چشمه چارسو

چشمه چارسو در محله ستوباد آذرشهر در میدان کوچکی که محل تقاطع چهار کوچه اریک است واقع شده . طاقی منمن با هشت ستون چوبی بر روی چشمه سایه افکنده است. ستونها سرستونی به شیوه صفوی دارند . گویا احداث این طاق در دوران صفویان از طرف عساکر عثمانی صورت گرفته است .

مسجد رومیان :

مسجد رومیان مسجدی است کوچک با سقفی چوبی که سر در آن طاق و نوشته ای ندارد فقط دو پایه سنگی خوشتراش مارپیچی به شیوه صفوی که نظایر آنها را در مساجد قدیم تبریز و اردبیل به فراوانی می توان دید از بنای سابق مسجد بجا مانده که آنها را در دو کنار در ورودی مسجد کار گذاشته اند .

مسجد محراب :

این مسجد در محله محراب واقع شده است و طاق مرمرین درب ورودی آن یکی از شاهکارهای هنر حجاری بشمار میرود . در پیشانی کتیبه طاق با خط ثلث درشت عبارت (قال الله سبحانه وتعالى وتقدس) و در متن کتیبه با خط جلی آیه شریفه (السلام علیکم طبتم فادخلوها خالدين) و در گوشه پائین رقم کتیبه « کتبه عبدالله » و در زیر حاشیه کتیبه با خط ثلث ریز و خفی عبارت (عمل استاد ملک علی بن استاد حسن علی حجار پیر چوپانی) بطور برجسته کنده شده است . گرچه سقف مسجد بارها

فرو ریخته و تعمیر مرمت یافته است اما خوشبختانه طاق مرمرین درب ورودی که ارزش فراوانی دارد از حوادث مکرر سلامت جسته است .



مسجد محراب

قبرستان بادامیار (قدمگاه)

بادامیار یا قدمگاه قریه‌ای است که در دوازده کیلومتری جنوب شرقی آذرشهر واقع شده است. راهش کوهستانی و درپای یکی از شاخه‌های سه‌دردر دامنه قاف داغی قرار دارد.

قدمگاه دهی است بالنسبه معمور بامزارع و بادام زارهای وسیع آب فراوان مراتع سرسبز و درختان سربفلك کشیده. گورستان تاریخی ده بر روی پشته‌ای قرار دارد و سنگ نبشته‌ها و حجاریها و مجسمه‌های متنوعی در آن بچشم می‌خورد. سنگها و الواح قبور بدو خط نوشته شده‌اند خط کوفی و ثلث. بر دو گوشه سنگ قبور خواجه علی و پیرچوپان عبارت (لااله الا اله) و (محمد رسول الله) و در زیر عبارت اول اسم (خواجه علی) در زیر عبارت دوم اسم (پیرچوپان) کنده شده است. خواجه علی از مردم خوی به خدمت خواجه یوسف دهخوارقانی رسید و ارادت نمود مرتبه بلندی احراز کرد.

خواجه ابو اسحق ابراهیم مشهور به پیرچوپان برادر زاده خواجه یوسف دهخوارقانی بود که در نزد خواجه علی تربیت یافت و به درجه کمال رسید هفت زاویه بنا کرد در تبریز و دهخوارقان و اطراف آن. در سال ۷۲۴ هجری در ایام سلطنت سلطان ابوسعید خان بهادر درگذشت. از سنگ نبشته‌ها برمی‌آید که خواجه علی بادامیاری در سال ۶۹۹ هجری قمری درگذشته است.

تپه پیرقطران :

در ساحل جنوبی رودخانه آذرشهر سه تپه بالنسبه باند دنبال هم ردیف قرار

گرفته‌اند این تپه‌های آتشکده یا تپه پیرقطران می‌نامند - سطح بالای تپه‌ای از هزاران عدد سنگ آتشفشانی قیرگون درشت که قرن‌ها در مسیر رودخانه‌ها سائیده شده اند مستور گردیده است در چند جای تپه حفاری و کاوش بعمل آمده و قطعات بزرگ خمره‌ای سفالی در کنا آنها پراکنده شده است این گمان پیش می‌آید که شاید روزگاری این تپه معبد یا گورستانی بوده و سنگ‌ها را مردم آن جا گرد آورده‌اند^۱.

تپه مصلی :

در انتهای جنوبی خیابان پهلوی آذرشهر، در ساحل شمالی رودخانه دمه‌خوارقان تپه بلندی قرار دارد که عوام آنرا (یووا داغی) و «دووا داغی» و خواص (مصلی داغی) می‌نامند. یووا در زبان ترکی آذری بمعنی لانه و منزل، و دووا بمعنی دعا و داغ بمعنی کوه است.



مصلی آذرشهر

بالای تپه ، وسیع و همواره پوشیده از امواج و سنگنبشته‌های قبور است و در بین اینها نه تنها کتیبه‌های تازه بلکه سنگنبشته‌ها و قطعه سنگهای منقور و منقش فراوانی بچشم می‌خورد که غالباً متعلق به قرنهای هفت و هشت هجری می‌باشند مثلاً نوشته یکی از سنگها چنین است :

« هذا مرقد الاستاد المرحوم الصالحین خواجه ابراهیم بن خواجه اسماعیل توفی فی شهر . . . سنة احدى وستین وسبعمانه » (۷۶۱ هجری قمری)

در وسط این گورستان ، مصلی یا نمازگاه بزرگی به طول متجاوز از یکصد متر تعبیه شده است که که سطح آن کف گورستان یک متر بلندتر است . محراب جالبی دارد که از سنگ و آجر بنا گردیده سنگهایش متعلق به قبور دورانهای پیشین است . فقط طاق سنگی منقش وسط محراب سنگ قبر نیست و احتمال می‌رود که سر در قدیمی گورستان یا طاق مدخل مصلی بوده است در زیر این طاق سنگ قبر مرمرینی بطور عمودی بدیوار نصب گردیده که در آن چند بیت فارسی و یکی دو آیه از قرآن شریف و چند عبارت عربی با خط ثلث دل‌انگیز بطور برجسته کنده شده و چند ترنج و اسلیمی خوش طرح بر زیبایی آن افزوده است .

نام صاحب قبر و تاریخ درگذشت وی که معمولاً در حاشیه دیوارهای این قبیل سنگها کنده شده در درون دیوار مانده است ولی از قرائن برمی‌آید که حجاری سنگ در قرن هشت یا نه هجری صورت گرفته است . دو بیت در حاشیه غربی آن خوانده می‌شود :

آوخ از آن جمال چون ماهش	اجل آمد ربود ناکامش
ابر در آسمان همی گرید	به جوانی و عمر کوتاهش



یکی از مقبره‌های یووا داغی

مصلی سقف و دیوار ندارد نماز عید فطر و دعا و نماز طلب باران معمولاً در این نمازگاه خوانده می‌شود .

از سنگهای جالبی که در این گورستان وجود دارد یکی سنگنبشته‌ای است بلندی ۸۰ سانتیمتر که بر سر قبر زن خانه‌داری نصب گردیده است و در روی آن عبارت «هذا تربت المرحومه بنه خاتون بنت عبدالله توفیت فی سنة ست عشر و سبعة» ۷۶۰ هجری و در پشت آن تصویر برجسته خاك اندازی بعنوان سمبل و نشانه خانه داری حجاری شده است . خط سنگنبشته ثلث نزدیک به تعلیق است . چند سنگ قبر درشت و بزرگی نیز از قرن هشتم به جا مانده که قریب سه متر طول و شصت سانتیمتر بلندی دارند و خط همه ثلث جلی است .

گورستان ینگجه :

ینگجه روستائی است با ۱۵۷۱ نفر جمعیت از دهستان آذرشهر که اکنون محله‌ای از آذرشهر محسوب می‌شود این روستا گورستان تاریخی بزرگی داشت که حجاریهای قطعه سنگهای بزرگ قبور آن‌ها برپایه‌ای را باعجاب و تحسین و امیداشت متأسفانه هنگام تبدیل این گورستان به چند دبستان اغلب آن سنگهای حجاری شده و و کتیبه‌ها و مجسمه‌های سنگی را خرد کرده و درپایه دیوارهای مدارس بکار بردند.

در گورستان ینگجه مقبره مخروبه‌ای بنام (بابا برکی) یا (قره دونی) (سیه‌قبا) معروف است. عبارت زیر از نقش سنگ قبری که در کنار آن مقبره تا امروز بصورت اصلی محفوظ مانده است نقل می‌شود: «هذا روضة المرحوم المغفور، شیخ المحققین برالمدققین ، پیر بابا یزدین بابا بدل ، توفی فی سنة اثنا عشر و سبعمائة» سال ۷۱۲ ه. ق

آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی :

این شیخ عالقدر از متصوفین دوره بعد از سعدی شیرازی بوده که آرامگاهش در محله بوالحسن آذرشهر قرار دارد و مورد احترام مردم می‌باشد . این عارف و صوفی معروف شعر نیز می‌گفته است .

آرامگاه عبدالله شهید :

عبدالله شهید از مبارزان صدر اسلام و یکی از اصحاب پیغمبر (ص) می‌باشد که آرامگاه او در مسجد حلوائی آذرشهر قرار دارد و محل زیارت اهالی شهر می‌باشد

گویا وفات و یا شهادت این صحابه در سال ۹۸ هجری اتفاق افتاده و در این محل دفن شده است . اعتقاد مردم بر این است که عبدالله شهید از بزرگان و فرماندهان سپاهیان اسلام بوده که برای فتح نقاط جدید و کمک به نیروهای اسلامی مستقر در آذربایجان رهسپار این دیار شده بود در یکی از جنگها که با (گبرها) زردشتیان اتفاق می افتد شهید می شود .

عرفا و مشاهیر دهخوارقان

خواجه یوسف حیران دهخوارقانی از بزرگان عرفای تبریز است . با عم خود بابا پورسفر بسیار کرد و به شام و مصر رفت در مصر به تهمت جاسوسی به زندان افتاد و پس از چندی رهائی یافت چون به تبریز بازگشت در محله مهادهمین (میارمیار) ساکن شد سپس از مردم آن شهر رنجیده به دهخوارقان رفت و تا آخر عمر در آنجا بزیست و در سال ۶۷۰ هجری بروزگار آباخان درگذشت مرقداواکسون در دهخوارقان است که قبرستان پیرحیران خوانده می شود و قبه ای تازه بر آن ساخته اند. در حال حیات از اطراف و اکناف محبان و مخلصان و مریدان گرد آمده از بحر خاطر فیاض وی مستفیض گردیده و از شراب اذواق جرعه ای چشیده اند .

خواجه علی بادامیاری از عرفا و شعرای تبریز در قرن هفتم بود و علی تخلص می کرد مرقداو در قریه بادامیار از نواحی دهخوارقان است وی مرید خواجه یوسف دهخوارقانی بود و تربیت از وی یافت و فاتهش در ۶۹۹ هجری بروزگار سلطان محمود غازان بوده است ^۱ .

خواجه محمد زین کمر - از عرفای تبریز از اهل دهخوارقان است و مسکن و موطن وی در آنجا بوده است پس از مرگش بنابه وصیت او، وی را در دره سیل گیر

بالا تر از مزار خواجه سلمان ساوجی در چرنداب تبریز بخاک سپردند .

پیر اسکندر - از عرفای تبریز در قرن هفتم و مرید خواجه محمد زرین کمر دهخوارقانی است . وفاتش در سال ۷۰۳ هجری در ایام سلطنت سلطان احمد جلایر بود و مرقدش در دهخوارقان است .

شیخ ابوالحسن خرقانی - این شیخ بزرگوار از صوفیان و عرفای معروف بوده که در دهخوارقان اقامت داشت و شعر نیز می گفته است این رباعی از اشعار او است :

آن دوست که دیدنش بیاراید چشم	بی دیدنش از گریه نیاساید چشم
ما را ز برای دوست می باید چشم	گر دوست نبیند به چه کار آید چشم ^۱

۱- از این صوفی و پارسای برجسته نقل می کنند که در مجاورت خانه اش يك کبوتر باز زندگی می کرد روزی این مرد برای پراندن کبوترها سنگی پراند و سنگ ناگهان به پیشانی عارف اصابت کرد و چیزی نمانده بود موجب مرگ شیخ بزرگوار باشد و به عالم باقی بشتابد این مرد شریف خادمش را خواست و چوب بلندی باو داد و گفت آن را نزد کبوتر باز ببر و از او عاقرانه خواهش کن که بعد از این اگر خواستی کبوترانت را بهرایی بجای سنگ از این چوب استفاده کن که این از کرامات و بزرگواری شیخ ابوالحسن خرقانی است .

سابقه فرهنگی آذرشهر

آذرشهر از بخشهای پیشرفته تبریز و آذربایجان از نظر فرهنگی و آموزشی است. نخستین نهضت فرهنگی و تأسیس مدرسه در بخش دهخوارقان در سال ۱۳۲۷ هجری قمری (۷۰ سال پیش) بوده است. مؤسس این مدرسه مرحوم میر اسماعیل روانبخش بود که خود اهل گوغان بود و تحصیلاتش در تبریز انجام گرفته بود. مدرسه وی بنام نجات در گوغان تأسیس شد مدت چهار سال با وجود مخالفت مردم پایداری کرد. مرحوم روانبخش شبها برای بیسوادان کلاس اکابر تشکیل داده و بزرگسالان را نیز باسواد می کرد. این مدرسه به تحریک عوام و جهال در سال ۱۳۳۰ هجری قمری منحل شد و مؤسس آن ناچار به دهخوارقان (آذرشهر) روی آورد و مدرسه نجات را در این شهر بنیاد نهاد. وی نظر به علاقه ای که به تعمیم فرهنگ و تعلیم و تربیت مردم داشته به مساعدت رئیس تلگرافخانه گوغان (محمد مصدق کاتبی) قرائتخانه کوچکی در یکی از اطاقهای مدرسه ترتیب داد و از این رو خدمتی به فرهنگ انجام داده است.

دهخوارقان قبل از تاریخ یعنی ۱۳۲۸ هجری قمری يك مدرسه ملی بنام فتحی داشته که در تأسیس آن خانواده فتحی پیشقدم بوده اند مدرسه نجات بزودی مجبور

به تعطیل شد تا سال ۱۲۹۹ شمسی دهخوارقان و توابع اش از داشتن مدرسه محروم بود ولی در این سال دبستان دیانت احمدی به مدیریت میر اسماعیل روانبخش در گوگان دایر گردید در سال ۱۳۰۱ شمسی بهمت اهالی دهخوارقان ساختمان يك مدرسه بپایان رسید و مدیریت آن به روانبخش واگذار شد سید علی اکبر قضائی نیز اداره مدرسه گوگان را عهده دار گردید یکی دو سال بعد هم دبستان عنصری بمقان افتتاح شد . تا سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ شمسی فرهنگ دهخوارقان بهمین حال باقی ماند در این سالها مدرسه دخترانه دهخوارقان موسوم به عصمتیه دایر گردید و در حدود سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ شمسی مدرسه دخترانه نوید در دهخوارقان شروع بکار کرد و از این تاریخ به بعد فرهنگ آذرشهر روز بروز غنی تر شد.

در سال ۱۳۲۹ شمسی دبیرستان محمد رضا شاه پهلوی بنا به تقاضای اهالی و از محل عطایای شاهانه ساخته شد آغاز ساختمان دبیرستان از سال ۱۳۲۶ بوده است. در آغاز کار در حدود ۷۰ نفر دانش آموز داشت که بتدریج توسعه یافته و اینك یکی از مجهزترین و آبرومندترین دبیرستانهای بخش آذرشهر و حومه تبریز محسوب می شود و دارای سالن سخنرانی و نمایش - کتابخانه - زمینهای ورزش - آزمایشگاه - های فیزیک و شیمی و طبیعی کامل و مجهز و کلاسهای متعدد درس می باشد .

در سال ۱۳۳۱ در بخش دهخوارقان يك دبیرستان و نه دبستان وجود داشت و از نه دبستان دو دبستان دخترانه و هفت دبستان پسرانه بود - دبیرستان سه کلاسه محمد رضا شاه پهلوی که در سال ۱۳۲۶ ساخته شد دبستانی هم بنام شاهپور ضمیمه داشت.



دبیرستان محمد رضا شاه پهلوی آذرشهر

سه دبستان پسرانه موسوم به بیژن - محمد رضا شاه - دانش دهخوارقان
 يك دبستان دخترانه بنام (عصمتیه) دهخوارقان
 يك دبستان پسرانه دیانت احمدی (دیانت) يك دبستان (روح بخش)
 درگوگان .

يك دبستان دخترانه (حسینیّه) و يك دبستان پسرانه (عنصری) ممقان
 يك دبستان پسرانه قاضی جهان
 عده کل دانش آموزان بخش دهخوارقان در آخر سال ۱۳۳۱ بدین ترتیب بود
 شماره محصلین دبستانهای پسرانه ۱۳۶۰ نفر
 » دانش آموزان دختر ۱۳۵ نفر

» دانش آموزان دبیرستان پسرانه ۸۲ نفر

مجموع : ۱۵۷۷ نفر^۱

خدمتگزاران مهم فرهنگ آذرشهر: از بنیانگزاران و خدمتگزاران سابقه دار فرهنگ آذرشهر مرحوم میر اسماعیل روانبخش است که پس از چهل سال خدمت به فرهنگ این منطقه فوت کرده و نام نیکی در آن حدود از خود بیادگار گذاشته است. می توان گفت بنای فرهنگ حوزه دهخوارقان نتیجه زحمات آن مرحوم است و دیگر آقای کاظم فتحی پور از خادمین قدیمی فرهنگ که مدتها در آذرشهر افتخاراً نماینده معارف بودند و پس از ایشان آقای سید محمد شفیع زاده قریب ۱۴ سال در دهخوارقان نماینده فرهنگ بوده و این دوتن خدمات مهمی انجام و زحماتی در راه پیشرفت فرهنگ این بخش متحمل شده اند^۱.



دبیرستان جوادی

۱- تاریخ فرهنگ آذربایجان - حسین امید. جلد اول - اسفند ۱۳۳۲ - ص ۲۹۴

۲- همان کتاب ص ۳۹۵

درسال تحصیلی (۵۵ - ۵۴) ۲۵۳۵ شاهنشاهی

امروزه در روستاهای حومه آذرشهر مدارس عادی و سپاهی دایر و معلمین و آموزگاران سپاهی مشغول انجام وظیفه می باشند که آمار مدارس و دانش آموزان آذرشهر و حومه اش بشرح زیر است^۱:

دبیرستان های محمدرضا شاه پهلوی آذرشهر - دیانت احمدی گوغان - عنصری ممقان

دانش آموز دختر	دانش آموز پسر	کادر آموزشی	
۱۱۰	۷۶۰	۳۵ نفر	دبیرستان ۳ باب
۳۱۲	۱۴۳۹	۸۸ »	مدرسه راهنمایی ۸ »
۲۵۱۲	۴۳۳۲	۲۴۳ »	دبستان روستائی و عادی ۳۵ »
-	۱۱۵۳	۳۴ »	دبستان سپاهی پسرانه ۲۲ »
۶۲۳	-	۳۲ »	دبستان سپاهی دخترانه ۱۲ »
-	۷۰	۱۰ »	هنرستان حرفه ای مقدماتی ۱ »
۱۲۰	۱۸۰	۱۱ »	کودکستان ۲ »

جمع کل ۸۳ باب ۲۶۷۷ دختر ۷۹۴۴ پسر ۴۵۱ نفر

کل دانش آموزان دختر و پسر ۱۱۶۱۱ نفر

هنرستان حرفه ای مقدماتی آذرشهر در محوطه نسبتاً وسیعی بنا شده که در آینده توسعه و گسترش خواهد یافت و بزودی ساختمان شعبه ای از دانشگاه آزاد ایران در در آذرشهر تأسیس خواهد شد و زمین آن از طرف نیکوکاران آماده و اهدا شده است. فعالیت های پیکار بایسواد سواد آموزی حرفه ای آموزش و پرورش آذرشهر

در جریان سال تحصیلی (۵۴-۵۵) بسیار چشمگیر است .

تعداد بزرگسالان	۴۸۰ نفر	در ۱۴ کلاس
» خردسالان	» ۱۹۳۵	» ۳۳ »
» سوادآموزان حرفه‌ای بانوان	» ۸۸۸	» ۲۷ »
» آموزش کلاسهای تکمیلی ابتدائی	» ۴۰۰	» ۱۰ »
» آموزش تکمیلی عمومی بزرگسالان	» ۳۰۰	» ۵ »

۳۲۰۳ نفر ۹۲ کلاس

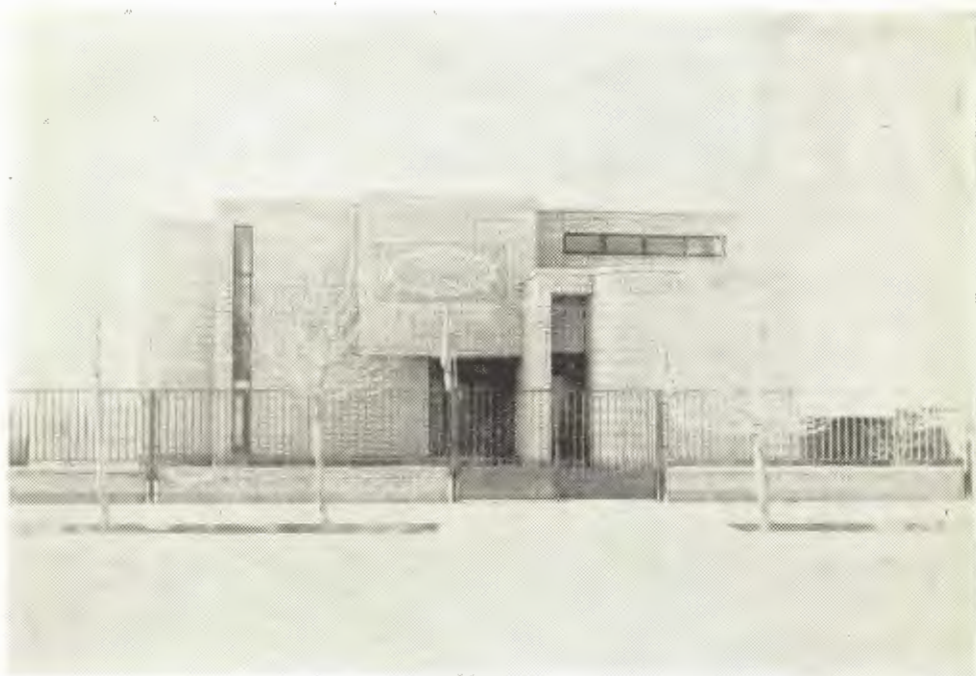
در حال حاضر ۴ مرکز حرفه‌ای سوادآموزی بانوان بالوازم خیاطی و وسایل بافتنی بکار خود ادامه می‌دهد و از سوی مسئولان مرکز آموزش حرفه‌ای اصفهان از مرکز حرفه‌ای بانوان آذرشهر بازدید بعمل آمد که ضمن تقدیر از زحمات معلمان دلسوز دو دستگاه ماشین بافتنی و چرخ خیاطی باین مرکز اهدا شد.

کتابخانه ها

در آذرشهر دو کتابخانه بسیار مجهز و آبرومند بنام کتابخانه ج-وادی و امام المنتظر با ۹۰۲۱ جلد کتاب دایر است و در اختیار علاقمندان و مراجعین می باشد :

۱- کتابخانه جوادی

این کتابخانه بهمت و فعالیتهای مداوم آقای جوادی نماینده مجلس شورای ملی دربك ساختمان آبرومند در سال ۱۳۵۱ شمسی درکنار بلوار زیبای شه رافتتاح شده است تا پایان سال ۱۳۵۴ تعداد ۵۹۸۳ جلد کتاب داشته و تعداد مراجعین آن متجاوز از ۴۰۰۰ نفر بوده است در حال حاضر تعداد ۶۵۰ نفر عضویت این کتابخانه را دارند .



کتابخانه جوادی

۲- کتابخانه و قرائتخانه ملی الامام المنتظر

کتابخانه امام المنتظر آذرشهر وابسته به مسجد جامع شهر بوده که با تلاش آقای حاج میرزا حسن آقا رسولی تأسیس گردیده در حال حاضر تعداد ۳۰۳۸ جلد کتاب دارد اعضای رسمی آن در حدود ۱۹۸ نفر بوده و روزانه قریب ۳۰ تا ۴۰ نفر از دانش آموزان جهت مطالعه به تالار کتابخانه مراجعه می نمایند^۱.

۱- آمارها ازدفتر کتابخانه جوادی و امام المنتظر است - بهمن ماه ۱۳۵۴

سیمای شهر

آذرشهر (دهخوارقان) از دو قسمت نوساز (مسیر خیابان پهلوی) و بخش مرکزی و هسته قدیمی شهر تشکیل شده است. بایک نگاه به قیافه عمومی و بافت شهری می توان دریافت که آذرشهر یک شهر قدیمی و کهنه است تا نوساز و جدید و همانند سایر شهرهای قدیمی متشکل از محلات و کوی و برزن و گذرهای متعدد باصدها سال قدمت بوده و خاطراتی از فراز و نشیب روزگار و جریانهای تاریخی دارد. تغییر قیافه شهر طوری است که نوساز و قدیمی درهم فرو رفته است و آپارتمانهای دولتی و مدرن در کنارش خانه های گلی و خشتی دارد.

تنها خیابان طویل و نوسازش که شمالی و جنوبی است تلاش دارد تا شهر را نوساز و جدید نشان دهد و جلوه گر نماید ولی میدانها - کاروانسراها - مساجد قدیمی - خانه باغچه های کهنه، شهر را آنطور که در گذشته های دور بوده نمایان می سازد.

ساختمانهای دولتی و مؤسسات فرهنگی و بهداشتی نوساز و مدرن - دارو خانه ها - مسافر خانه و هتل ها - باغ شهرداری و بهداری - بنگاه های مسافری اصلی در مسیر این خیابان بیشتر خود نمائی می کند و موج نوسازی و زمین خواری و زمین داری به قطعه کردن باغات زیبا و پرتراوت و محلات قدیمی دست یازیده کم کم این شهر

زیبا و خوش آب‌هوا دچار سرنوشت شهرهای نوسازی می‌شود یعنی با این عمل ناخوشایند خودش دارد می‌فهماند که من هم از کاروان پیشرفت و آبادانی عقب نمانده و درجاده نوسازی قدم گذاشته‌ام.



منظره عمومی شهر

هر اندازه ساختمانهای دولتی در مسیر خیابان پهلوی به قیافه شهر تازگی و نوسازی می‌بخشد بهمان اندازه داخل محلات قدیمی و بافت کهنه شهر خبر از یکنواختی و قدمت را میدهد خیابان پهلوی دروازه تبریز را از شمال شهر و مدخل آن را به دروازه مراغه و ساحل رود دهخوارقان مربوط می‌سازد. این خیابان که در واقع تنها شاهراه ارتباطی تبریز به کردستان و مراغه و میاندوآب است چندین بازار و محلات و کوچه‌ها را در مسیر خود قطع کرده و شهر را بدو بخش تقسیم نموده است که بیشتر

محلات قدیمی به این خیابان راه باز کرده اند در حال حاضر رشد و توسعه شهری از جهت طولی است و همواره باغات و اراضی در شمال و جنوب شهر بیشتر آبادتر می شود و هسته مرکزی شهر بطرز فشرده ای متراکم می باشد.

برخلاف بعضی از قصبه ها و دهستانهای قدیمی که بطور فشرده و متراکم بنا شده اند ، خانه ها و مغازه ها و خانه باغچه های آذر شهر در سطح گسترده ای پهن شده است که این خانه باغچه ها را يك فضای سبز متشکل و مرکب از باغات و قلمستانها در بر گرفته است. عبور راه آهن از سمت غرب بفاصله ۱۲ کیلومتری آن و احداث خیابان ششم بهمن در وسط شهر و اتصالش به راه دهستان قاضی جهان و گویگان سبب يك دگرگونی و تحول در امر شهرسازی و خانه سازی شده است بطوریکه حوالی این خیابان نیز مانند مسیر خیابان پهلوی سرعت تبدیل به محیط مسکونی می شود . احداث يك خیابان جدید شرقی غربی بسوی روستای دیزج و ینگچه نیز در آبادی قسمتی از شهر بی تأثیر نمیباشد . در سمت شمال شهر یعنی دروازه تبریز نوسازی و عمران بیشتر چشمگیر است بطوریکه در بدو ورود توجه هر بیننده را بخود جلب می کند :

بلوار کورش کبیر - دبیرستان و مدرسه راهنمایی تحصیلی جوادی - خانه مرکزی حزب رستاخیز ملت ایران - اداره پست و تلگراف - کتابخانه جوادی - کوی کارمندان - استادیوم ورزشی - درمانگاه شیر و خورشید سرخ اداره برق منطقه ای - نیروگاه برق - دبستان کوروش کبیر در این بخش ساخته شده است .

در بخش جنوبی و انتهای خیابان پهلوی که دروازه مراغه و ساحل رود دهخوارقان است ساختمانها و مؤسسات نوسازی مانند بخش شمالی بوجود آمده که عبارتند از :

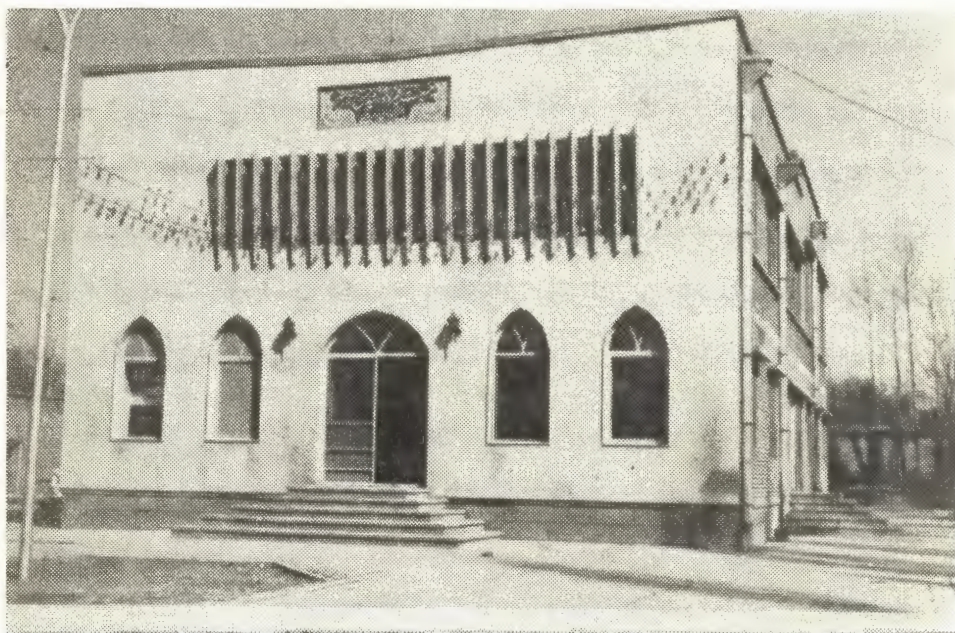
اداره شرکت ملی نفت ایران - زایشگاه و بیمارستان مجهز ۵۰ تختخوابی شیرو
 خورشید سرخ - اداره بهداری - دبستان جمشید - خانه پیشاهنگی - کوی کارمندان
 بهداری - هنرستان مقدماتی حرفه‌ای - تاسیسات جدید اداری شیر و خورشید سرخ
 و خانه جوانان - محل احداث ساختمان شعبه دانشگاه آزاد ایران.
 مسیر رود دهخوارقان در جنوب آذرشهر مانع بزرگی از نظر شهرسازی و نو سازی
 است بنا بر این فاصله شمال و مرکز شهر تا ساحل رودخانه سرعت آباد تر میشود.



خانه پیشاهنگی آذرشهر

تراکم جمعیت هر اندازه در حدود شمال و جنوب آن کمتر بنظر می‌رسد بهمان
 نسبت مرکز شهر از نظر جمعیت بسیار متراکم است که در تراکم جمعیت مرکز شهر
 وجود بازار - محلات قدیمی - مسجد جامع - مراکز خرید و فروش - کاروانسراها -

و ادارات شهر بانی و فرهنگ و بانکها بی تأثیر نبوده و در جذب جمعیت بمرکز شهر ایفای نقش می کنند.



مراکز امدادی و درمانگاه جمعیت شیر و خورشید سرخ آذرشهر

کوچه ها و محلات شهر تنگ و فشرده با دیوارهای بلند اکثر از خشت خام بنا شده و باد در نظر گرفتن نوع معیشت که آمیخته ای از کشاورزی و شهرنشینی است خانه ها روی اصول معینی ساخته شده است.

بیشتر منازل قدیمی با دارا بودن امکانات و شرایط سکونت برای افراد خانواده در ضمن محل ضروری برای نگهداری حیوانات اهلی - تنور نان - خشکاندن و بسته بندی میوه جات و خشکبار در نظر گرفته شده است .

مصالح ساختمانی که در بنای منازل بکار رفته بیشتر از مواد و مصالح و لوازمی

است که دم دست وجود داشته و به آسانی در بناها بکار گرفته شده است مانند خاک رس - سنگهای آهکی معدنی و سنگهای بزرگ رسوبی که بصورت دیوار مهره با گل رس و کاهگل در ساختمانها مصرف شده است - بتدریج که مسئله عمران و نو سازی پیش آمده همزمان با این تحول در مصالح ساختمانی نیز دگرگونی به چشم می خورد - تیر آهن جای تیرهای چوبی را گرفته و درو پنجره آهنی بجای درو پنجره چوبی قدیمی و سنتی نشسته است و اگر در امر خانه سازی تا حدودی به رفاه حال خانواده ها توجه شده و می شود ، تزئینات داخلی و مصالح ساختمانی و اسلوب منازل سنت دیرینه و اصالت خود را از دست داده است بخصوص سازمانهای دولتی و مؤسسات ملی که از يك معماری اقتباسی غیر بومی بهره گرفته است .

محلات قدیمی آذرشهر :

محلات قدیمی آذرشهر هر کدام به نسبت و علتی بوجود آمده و هر يك دارای ریشه تاریخی و سابقه دیرینه ای است و اسامی شان گویای حقایقی از گذشت زمان می باشد .

محله بوالحسن - که محل سکونت شیخ ابوالحسن خرقانی از متصوفین بعد از شیخ سعدی شیرازی بوده و شعر هم می گفته است و رباعی های دلنشین دارد که محله مزبور بنام این شخص نامیده شده است.

محله پازیکو (پازیکی میدانی) - که محل ملاقات عباس میرزا و ژنرال پاسیکویچ سردار روسی بوده ولی محل اصلی محله پاسیکویچ در دامنه کوه بود و از آثار آن (یدی قیزلار) در دامنه کوهستان باقی است ولی رفته رفته این کوچه بسوی دهخوارقان کشیده شده است.

محلۀ پراپر - در این محلۀ کوی ارمنی وجود داشته و آرامنه ساکن این محلۀ در دورۀ صفویه به آذرشهر آمده بودند بنا به اعتقاد و تعصب مذهبی شدید مردم دهخوارقان، آرامنه این محلۀ می‌بایست طوری ساختمان بنا کنند که آب ناودانهای بام آنها به ساختمان‌ها و روی مسلمانان نریزد. آرامنه این محلۀ بیشتر مردمی ثروتمند بوده و حمامی بخصوص داشتند که مثل سایر حمام‌ها در زیر زمین بنا شده بود و هنوز خرابه‌های آن باقی است؛ ضمناً کلیسایی داشتند و اخیراً حفاری‌ها یک گورستان قدیمی بر خور کردند که تمام سنگها علامت صلیب داشتند و چند مجسمه گنجشک طلائی و یک انبار مهمات قدیمی بدست آمده بود.

محلۀ کردان - این محل در قدیم مرکز کردها بوده و به نام محلۀ کردان معروف شده است گرمابه‌ای نیز در این کوچه وجود داشت که حمام کردان نامیده می‌شد در اثر مرور زمان به ویرانی مبدل شد.

محلۀ رومیان - این محلۀ را بدان جهت رومیان می‌خوانند که در زمان سلطنت شاه محمد خدا بنده پدر شاه عباس کبیر ترکان عثمانی از روم شرقی و شبه جزیره ترکیه به آذربایجان حمله کرده و آنجا را تصرف کردند و عده‌ای از عثمانیها در این محلۀ مسکن گزیدند که باین اسم مشهور شده است.

محلۀ دیزج - دیزج به محلی اطلاق می‌شود کنار یک چشمه یا قنات واقع شده و اطراف آن با سنگ حصار مانند احداث نمایند و دور از شهر واقع شود. در محلۀ دیزج چشمه بسیار گوارا و لذیذ الله وردی خان و شاه بگندی است (شاه پسند) باین علت این چشمه را شاه بگندی گویند که شاه عباس بهنگام سفر به این شهر آب چشمه را پسندیده و وزیرش الهوردی خان نام خود را به چشمه‌ای که بین ینگجه و دیزج واقع است گذاشت.

کوی حلوائی - گویا ساکنان این محلۀ سابقاً استادکار و متخصص تهیه

حلوای خوشمزه و لذیذ مخصوص دهخوارقان بوده که باین نام خوانده شده است. کوی جلفائی - در زمان شاه عباس که عده ای از مسیحیان جلفا باین محله آمده و ساکن شدند این کوچه را جلفائی گفتند و حتی محل مسجد حسین آباد کنونی کلیسای مسیحیان و گرمابه ای بود متعلق به مسیحیان محله جلفائی که بدست ارامنه بنا شده بود و برخی عقیده دارند که ساکنان این محله شغل جلفائی یعنی بافندگی کرباس و پارچه را داشتند .

کوی ستوباد یا چارسو (چهارسوق) این کوچه بوسیله طاقی که در وسط آن بنا شده معروف گشته و ساختمان این طاق را به عثمانیان نسبت میدهند که گویا محل سکونت داروغه های شهر بود.

محله قاضی - در زمان صفویه در این کوچه قاضی شهر زندگی می کرد و کوی مزبور بنام محله قاضی معروف شده و مسجد جامع آذرشهر در قدیم در این کوچه بود از شواهد معلوم است که این کوچه در زمان حملات مغولها بسیار معروف و آباد بوده و مسجد محراب از آثار تاریخی این کوچه هم اکنون باقی است.

محلات معروف دیگر آذرشهر عبارتند از :

حسنلو - عباس آباد - شکر آباد - علی آباد - محله قاضی الفتح که بطور کلی این محلات بنام بزرگان وریش سفیدان و بنیان گزاران اولیه کوچه ها نامگذاری شده است.

محله کشک - محله انگراب نیز از محلات معروف و پرجمعیت آذرشهر میباشد.

اسامی محلات و نام مساجد معروف آذرشهر

نام مسجد	محله
مسجد علی داش - علیا - سفلی - یتیم	دیزج
مسجد سفلی و علیا	کشک

نام مسجد	محلّه
سالار خاتون - مسجد سفید	محلّه
طوق مسجدی - مسجد بازیکو	بازیکو
مسجد رومیان	رومیان
حسینیه - چارسی - بالا مسجد	ستوباد (چهارسو)
صاحب الزمان - جلفایی - جواد الاثمّه	جلفایی
مسجد منار - مسجد کبود - مسجد پراپر	پراپر
مسجد شکر آباد	شکر آباد
عبداله شهید - مسجد بابا - زینبیه	محلّه حلوائی
مسجد محراب	قاضی
مسجد کدخدا - مسجد حسنلو	حسنلو
مسجد سفلی - علیا	پیرلر
» »	کردان
مسجد علی آباد	علی آباد
مسجد بوالحسن	بوالحسن
مسجد جامع - مسجد حاج کاظم	بازار
مسجد قاضی الفتاح	قاضی الفتاح

جمعیت و آمار آذرشهر و روستاها

آذرشهر از بخشهای پرجمعیت و بسیار مهم شهرستان تبریز است . براساس آمارگیری ۱۳۴۵ در حدود ۱۵۳۳۰ نفر و با روستاهایش ۵۴۰۶۴ نفر جمعیت دارد . این بخش نیز مانند سایر نقاط با مسئله ازدیاد جمعیت روبرو است و طبقه جوان در جامعه شهری و روستائی آن کاملاً مشخص می باشد بعلاوه ایجاد بیمارستان و زایشگاه جمعیت شیروخورشید سرخ و درمانگاه بهداشتی و تاحدودی نظارت سپاه بهداشت و گسترش خدمات درمانی و بهداشتی از میزان مرگ و میر در سالهای اخیر کاسته شده است .

چون آذرشهر محیط روستائی و کشاورزی را بطور توأم دارد بنا بر این جمعیت این منطقه تاحدودی فعال می باشند^۱ . خیلی کمتر بیکاری مزمن در جامعه شهری دیده می شود ولی موقعیت روستاها و فعالیتهای کشاورزی و روستائی و خدمات فصلی در منطقه آذرشهر و حومه آن بنا به تناسب شغلی (باغداری - دامداری - کشاورزی) بکنوع بیکاری پنهانی بوجود آورده است که می توان آن را بیکاری فصلی

۱- جمعیت فعال مجموعه افرادیست که شغلی دارند و از کار خود مزدی بدست میآورند

بیان کرد^۱.

بعلاّت نزدیکی آذرشهر به شهرستان تبریز و سهولت مسافرت، جمعیت این شهر در حال جابجائی است. گروههای فعال بخصوص طبقه جوان ۲۰ تا ۴۰ ساله که دارای معلومات نسبتاً کافی بوده و این شهر نتوانسته است تحرك اجتماعي و خدمات شهری لازم را برای آنان تأمین کند برای کاریابی - ادامه تحصیل - تفریح و ادامه زندگی و استفاده از مواهب زندگی شهری دست به مهاجرت دائم زده به تبریز و تهران مهاجرت می کنند.

از طرفی فریبندگی محیط شهری و تمرکز ادارات دولتی - کارخانجات و مراکز اقتصادی و بانکی - دانشگاه و مدارس عالی و امکانات ورزشی و تفریحی در تبریز سبب جذب مردم این شهر شده است علاوه از افرادی که بطور دائم زادگاه خود را ترك کرده در تبریز سکونت اختیار کرده اند عده ای در حدود هزار نفر بطور روزانه از این شهر با سرویسهای منظم اتوبوسرانی میان تبریز و آذرشهر رفت و آمد می نمایند که پس از انجام کارهای روزانه اعم از دادوستد و حل و فصل مشکلات اداری و تفریح به شهر خود باز می گردند.

کسانیکه از آذرشهر مهاجرت کرده اند در تبریز در خدمات بازرگانی، کارخانجات امور فرهنگی - ادارات دولتی و خدمات شهری مشغول کار شده اند و بتدریج با محیط شهری آشنا شده هرگز رغبتی برای بازگشت به زادگاه خویش نشان نمیدهند. از طرفی

۱- بیکاری پنهان (chomage deguisé) یعنی در عین آنکه افراد مشغول کار هستند کار آنها نه از لحاظ درآمد ملی و اقتصاد عمومی کشور نافع است و نه از لحاظ درآمد فردی ایشان را اقناع می کند (جمعیت شناسی عمومی - ص ۵۷ - دکتر جمشید بهنام - چاپ دانشگاه تهران ۱۳۴۸) ۲۵۲۸ شاهنشاهی.

از روستاهای حومه آذرشهر تعدادی از روستائیان بطور موقت برای انجام کارهای روزانه باین شهر مسافرت می نمایند بنابراین جمعیت آذرشهر ضمن جابجائی تاحدودی متعادل بنظر می رسد .

احداث شاهراه بزرگ غرب ایران از تبریز تا میاندو آب و ازدیاد وسائط نقلیه وسهولت و قرار گرفتن آذرشهر در سرراه شاهراه ترانزیتی غرب ایران سبب مسافرت وجابجائی روز افزون مردم شهر و روستاهای مجاور آن به شهرهای آذربایجان شده است وهمواره مسافرت ورفت آمدگسترش می یابد.

روستائیان حومه آذرشهر بیشتر به مهاجرت فصلی کشاورزی اقدام می کنند بجای اینکه درمواقع بیکاری سالیانه (که نتیجه طرز کشت و فصول سال است) به مناطق دیگر روستاها بروند وبکار کشاورزی ادامه دهند باین شهر روی می آورند و چند ماهی از سال که بیکاری دارند به خدمات محقر شهری می پردازند یاوقت خود را در قهوه خانه ها وهفته بازارها سپری می کنند . این افراد در فصل کار زمین و آغاز فعالیت های کشاورزی به روستاهای خود بازمی گردند.

بعلت ازدیاد جمعیت وتاحدودی بجهت ورود ماشین آلات در کار کشاورزی تعدادی از روستائیان دچار بیکاری پنهان شده اند یعنی باوجود اینکه در ظاهر بکار مشغول هستند اما از این رهگذر نه خود در آمد مکفی بدست می آورند و نه چیزی به تولید ملی کشور می افزایند.

مهاجرت روستائیان حومه آذرشهر به این شهر موجب تغییر جمعیت روستانشین وشهر نشین شده است وتا حدودی نظم شهر را بهم زده است . کوچ عوامل انسانی بطور مداوم هم دهات را خراب کرده است و هم شهر را . تنها راه جلوگیری از مهاجرت روستائیان ، ایجاد مشاغل مناسب بازندگی امروزه برای کشاورزان در روستاها است تا تعادل نسبی بین جمعیت شهر وروستا برقرار شود.

در حال حاضر از نظر تقسیمات کشوری، آذرشهر مرکز بخش بوده و در نظر است بعزت پیشرفتهای چشمگیری که از نظر عمران و آبادانی و اقتصاد و کشاورزی دارد و جمعیت آن ازدیاد رشد پیدا کرده است قریباً به شهرستان تبدیل شود. آمار روستاهای حومه آذرشهر با تعداد جمعیت و خانوار و شعبات شرکتهای تعاونی و خانههای انصاف و مدارس سپاهی دانش بقرار زیر است:

نام روستا	جمعیت	خانوار	دبستان - دبیرستان	خانه انصاف	شرکت تعاونی
دهستان ممقان	۷۲۹۰ نفر	۱۴۰۰	*	*	-
» گوگان	۵۷۰۷ »	۱۱۸۰	*	*	*
» شیرامین	۲۲۰۸ »	۴۲۰	* راهنمایی	*	*
آخی جهان	۱۲۱۳ »	۲۱۹	*	*	*
الوانق	۶۲۷	۱۱۵	*	*	-
امیردیزج	۶۳۸	۱۰۷	*	-	-
پیرچوپان	۲۶۰	۵۰	*	-	-
تاجالدین	۱۱۰	۱۵	*	-	-
تیمورلو	۳۲۰۰	۵۹۱	* راهنمایی	*	*
ترشکوه	۳۴	۸	-	-	-
چنار	۵۸۳	۱۰۵	*	-	-
چاربرود	۶۰۵	۸۷	*	-	-
خااصلو	۶۳۸	۱۱۱	*	*	-
خانقاه	۱۱۱۴	۲۱۶	*	*	-
خانمیر	۷۹۱	۱۴۸	*	*	-

نام روستا	جمعیت	خانوار	دبستان- دبیرستان	خانه انصاف	شرکت تعاونی
خراجو	۱۲۹	۲۴	*	*	*
داش آمالو	۵۴۲	۹۶	*	-	-
داش کسن	۲۶۰	۵۱	*	*	-
دستجرد	۱۳۷۴	۲۲۰	*	*	-
دین آباد	۶۳۵	۱۰۹	*	*	-
دیزج آقا حسن	۱۱۰	۱۶	*	-	-
دیزج چراغ	۲۵۰	۵۰	*	*	-
سیلاب	۳۰۰	۶۰	*	*	-
صفایش	۳۹۳	۷۳	*	*	-
قاضی جهان	۲۳۳۶	۴۹۸	*	*	-
قاضی کند	۱۰۲	۱۶	*	*	-
قدمگاه (بادامیار)	۳۷۱	۹۶	*	*	-
قراغیل	۶۰۲	۱۰۴	*	*	-
قشلاق	۶۶۷	۱۱۱	*	*	-
قرمزگل	۲۶۷	۴۸	*	*	-
قوشقرا	۱۲۸	۲۴	*	*	-
قلعه	۱۴۰	۳۰	*	-	-
فیروز سالار	۱۲۵۹	۲۵۰	*	*	-
غلهزار	۳۵۰	۸۰	*	*	-

نام روستا	جمعیت	خانوار	دبستان - دبیرستان	خانه انصاف	شرکت تعاونی
کابدول ^۱	۱۵۰	۳۵	-	-	-
گواهیر	۱۰۶	۱۸	*	-	-
کبودگنبد	۷	۱	-	-	-
کلوانق	۲۶۰	۵۰	*	*	-
هرگلان	۲۸۷۱	۲۸۰	*	*	-
هفت چشمه	۱۱۸۷	۲۱۸	*	*	-
نادینلو	۸۲۹	۲۸۰	*	-	-
یایچی	۵۶۸	۹۰	-	-	-

در منطقه آذرشهر ۵ شرکت تعاونی وجود دارد که بقیه شرکت های تعاونی سابق در یکدیگر ادغام شده و فقط در روستاهای پر جمعیت فعالیت دارند این شرکت های تعاونی با اداره کشاورزی قرارداد تأمین لوازم ضروری از قبیل وام - بذر - کود و مواد مصرفی را بسته اند. خانه های انصاف تابع دادگاه بخش آذرشهر به تعداد ۳۳ روستا است که ۳ روستای آن جزو بخش اسکو می باشد (مجارشین - اربط - کردآباد). آذرشهر ۴۲ روستا با ۳۹۵۹۳ نفر جمعیت دارد که در ۷۵۲۷ خانوار زندگی می کنند پراکندگی جغرافیائی روستاها نشان می دهد که عوامل آب هوا - ارتفاعات - آب - جنس خاک و موقعیت جغرافیائی در پیدایش و تجمع و تفرق روستاها بی تأثیر نبوده است. تمرکز روستاها بیشتر در قسمت جلگه ای و کوهپایه ای است. شمال و شمال غربی که منطقه جلگه ای و دارای آب هوای مساعد و خاک حاصلخیز می باشد روستاهای بیشتری را در خود جای داده است ولی مشرق و جنوب آن که ارتفاعات سهند غربی و منطقه کوهستانی سردسیر می باشد نسبت به منطقه جلگه ای، روستاهای کمتری دارد.

۱- روستای کابدول فعلاً بدون سکنه است.

جریان آب رودخانه دهخوارقان وجود چشمه‌ها و مخازن آبهای زیرزمینی در جذب جمعیت و ایجاد روستاها بی‌تأثیر نبوده است.

حومه دهستان گوغان بعلت جنس خاک مرغوب و وجود آبهای مساعد و آب کافی بیشترین تعداد روستاها را دارا می‌باشد و رونق کشاورزی این منطقه از سایر نقاط آذرشهر قابل توجه است.

در حال حاضر ممقان و گوغان از نظر اقتصادی و کشاورزی و میزان تولیدات روستائی و باغداری اهمیت فراوان دارند - پنجشنبه بازار گوغان بسیار معروف است و از تمام روستاهای حومه آن و آذرشهر حتی تبریز، سوداگران و مردم داد و ستد پیشه رهسپار آن بازار می‌شوند. ممقان و گوغان بوسیله يك راه فرعی ۶ کیلومتری به شاهراه تبریز آذرشهر ارتباط دارند ولی ضروری است که با توجه به موقعیت اقتصادی و تولیدی و رفاه مردم راه ارتباطی درجه يك احداث شود - دو دهستان معروف و مهم بخش آذرشهر که کلاً متجاوز از ۱۵۰۰۰ نفر در خود جای داده اند از نظر رفاه عمومی و خدمات شهری پیشرفت چندانی ندارند بهمین علت مهاجرت مردم آنها به تبریز و آذرشهر بسیار چشمگیر است - بین تبریز و ممقان و گوغان همینطور در مسیر این دو منطقه تا آذرشهر سرویس اتوبوسرانی دایر میباشد. امور خدمات شهری در گوغان و ممقان با سازمان شهرداری است که تابع بخشداری آذرشهر میباشد.

باید قبول کرد که گسترش و پیشرفت امور و رفاه مردم روستاها بستگی بایجاد راههای ارتباطی دارد. رساندن محصولات زراعی و دامپروری به بازارهای مصرف - نوسازی و آبادانی روستاها - مبارزه با آفات دامی و گیاهی - انجام خدمات انسانی و بهداشتی لازمه اش احداث راههای روستائی است که بیشتر روستاهای منطقه آذرشهر فاقد آن می‌باشد. فقر راهها، در حقیقت مانع پیشرفت روستاهای این بخش است. می‌توان با احداث راههای روستائی با دهات و در دست ارتباط حاصل کرد و مظاهر تمدن و پیشرفت

و فرهنگ و بهداشت را در روستاها توسعه داد آب‌هوای سرد کوهستانی در طول سال سبب می‌شود که باریزش برف و باران راه‌های روستائی مرتب قطع گردد و محصولات کشاورزی بموقع به بازارهای مصرف نرسد و در نتیجه زندگی روستائی و اقتصاد روستائی فلج شود.

بنابراین نیاز فراوان به احداث راه‌های روستائی کاملاً محسوس است و چیزی که بسیار مهم است نگهداری راه‌های روستائی است که طبق قانون ، راه‌های ساخته شده در اختیار انجمن‌های ده قرار می‌گیرد چون در حال حاضر نگهداری راه‌ها از عهده انجمن‌های ده بر نمی‌آید لازم است دستگاهی موظف و مسئول باشد تا با همکاری و خودیاری روستائیان راه‌های روستائی حفاظت و همواره رفت و آمد جریان داشته باشد.

تاریخچه و فعالیتهای جمعیت شیر و خورشید سرخ

آذرشهر

جمعیت شیر و خورشید سرخ آذرشهر یکی از فعالترین جمعیت‌های وابسته به سازمان مرکزی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران است که نخستین هیئت مدیره آن در سال ۱۳۳۱ تشکیل و شروع به کار نمود - فعالیت جمعیت و امور درمانی و امدادی در منطقه آذرشهر و حومه از سال ۱۳۳۱ شمسی آغاز شده است.

اولین کلنگ زایشگاه و بیمارستان امدادی جمعیت در زمینی به مساحت ۷۰۰۰ متر مربع در سال ۴۸ بزمین زده شد و ساختمان مهمترین مرکز درمانی آذرشهر از طرف جمعیت شیر و خورشید سرخ مرکزی با کمک مالی شرکت ملی نفت ایران و همت و تلاش مداوم جناب آقای حاج جعفر جوادی نماینده مجلس شورای ملی احداث و در مرداد ماه ۱۳۵۰ بمناسبت دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران مورد بهره برداری قرار گرفت.

زایشگاه و بیمارستان ۵۰ تختخوابی آذرشهر که طرح افزایش پذیرش آن تا یکصد تخت خواب در سال (۲۵۳۴-۲۵۳۵ شاهنشاهی) پیشنهاد گردیده شامل بخش‌های جراحی عمومی- جراحی زنان- رادیولوژی - آزمایشگاه و بخش اورژانس و سه باب درمانگاه

عمومی و تخصصی می‌باشد. این بیمارستان در حال حاضر با پرسنل درمانی و اداری بشرح زیر مشغول خدمت به هموعان است:

- ۱- متخصص جراحی عمومی ۲ نفر ۷- پرستار نرس ۲ »
- ۲- » زنان و زایمان ۱ » ۸- کمک ماما ۱ »
- ۳- » بیهوشی ۱ » ۹- پرستار بهیار ۱۰ »
- ۴- پزشک عمومی ۲ » ۱۰- کمک پرستار » »
- ۵- کارشناس آزمایشگاه ۱ » ۱۱- مسئول داروخانه ۱ »
- ۶- کارشناس رادیولوژی ۱ » ۱۲- مسئول اندرزگاه ۱ »
- ۱۳- راننده ۲ » (آمبولانس دودستگاه - ولکوانت آمبولانس)

در خدمات عمومی و اداری بیمارستان و درمانگاه جمعاً ۸ نفر بعنوان آشپز و سرایدار و انباردار و مسئول حرارت مرکزی و اطلاعات مرکزی انجام وظیفه می‌کنند. بیمارستان دارای چهار باب خانه مجهز پزشک و یک باب خانه مجهز دوازده نفره جهت پانسیون پرستاران می‌باشد که هم‌اکنون مورد استفاده است.

ساختمان خانه جوانان جمعیت شیروخورشید سرخ آذر شهر در زمینی بمساحت ۷۵۰۰ متر مربع و با اعتباری بالغ بر ۴۵۰۰۰۰۰ ریال در دست ساختمان است که پس از اتمام تانیمه دوم سال ۲۵۳۵ مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. بعلا نیاز فراوان به گسترش بیمارستان طرح احداث طبقه دوم بیمارستان نیز از برنامه‌های پیشنهادی جمعیت برای سال ۲۵۳۵ می‌باشد که مقدمات اداری آن طی و در دست اقدام است.

در مرکز امور اداری جمعیت نیز که در سال ۱۳۳۵ احداث شده است ۱۲ نفر پرسنل کادر اداری مشغول انجام وظیفه هستند - بعلا کثرت مراجعین لاجرم اقدام به

دایر کردن یکباب درمانگاه درمحل ساختمان مذکور شده و در حال حاضر با داروی رایگان بیماران و مراجعین را تحت درمان قرار میدهند.

علاوه از خدمات درمانی و بستری کردن بیماران و مداوای مصدومین کمک ارزنده جمعیت شیروخورشید سرخ آذرشهر به سیلزندگان دهستان گوغان بود که در سال (۱۳۴۸) ۲۵۲۸ شاهنشاهی بیاری آنان شتافتند و همواره این جمعیت از نظر امدادی و درمانی آمادگی لازم را دارد.

شغل مردم

صنایع دستی و کارخانه‌ای - داد وستد

آذرشهر مرکز ارتباطی و داد وستد ۴۲ روستا است و گذرگاه مهم و موقعیت شهری جالبی دارد. در این شهر برای رفع نیاز مردم مشاغل و پیشه‌های متنوعی بوجود آمده است که از این رهگذر تعدادی امرار معاش می‌نمایند ضمن اینکه مردم آذرشهر زندگی شهرنشینی دارند و از مواهب و امکانات آن بهره‌مند می‌شوند زندگی کشاورزی و سنتی را در جوار زندگی شهری از دست نداده‌اند و در واقع زندگی امروزی مردم آذرشهر تلفیقی و ترکیبی از زندگی شهری و کشاورزی و روستائی است.

شغل عمده مردم شهرنشین بیشتر داد وستد و سوداگری و پیشه‌وری است در مرحله بعد اشتغال به کارهای تولیدی و خدمات دولتی و بازرگانی و شرکتها می‌باشد بنابر این پیشه‌وران و اصناف بزرگترین تعداد شاغلین را تشکیل می‌دهند. در مسیر خیابان پهلوی - خیابان ششم بهمن - راسته خرازی‌ها - راسته پراپری - تیمچه‌ها و کاروانسراها و میدانها و گذر محلات مغازه‌های متعددی بچشم می‌خورد که پراز کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم بوده برای هر تازه وارد به آذرشهر فراوانی مغازه‌ها و تنوع

کالاها جالب توجه می‌باشد و به قیافه شهر جلوه خاصی داده است. وجود مغازه‌های لوازم خانگی - خواربار فروشی - میوه فروشی و لبنیاتی - خوراک‌پزی حاکی از غنای مردم و فراوانی محصول و راحتی و رفاه عمومی مردم آذرشهر نسبت به شهرها و بخشهای مشابه آنست^۱.

بعلت جذب مهاجرین فصلی و نیاز روستائیان به تهیه لوازم ضروری بخصوص در جمعه و شنبه بازار آذرشهر (توفارقان بازاری) همه نوع کالا و مواد مصرفی بمشتریان عرضه می‌شود. اکثر مغازه‌داران و اصناف آذرشهر باروهاهای این منطقه از زمانهای بسیار دور روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای دارند که هم کالا و محصولات زراعی و روستائی آنها را خریده و هم مواد مصرفی آنان را تأمین می‌کنند. هر سال نسبت بسال قبل اقتصاد محلی آذرشهر که مبتنی بر تولیدات دامی و کشاورزی و صنایع دستی است رونق بیشتری یافته و سبب دگرگونی زندگی مردم و پیدایش رفاه عمومی و معیشت بهتری را می‌شود و در سایه رفاه عمومی و ازدیاد درآمد مردم در چند سال اخیر است که طرحهای عمرانی و آبادانی پیاده شده و چهره شهر تغییر می‌یابد.

صنایع دستی :

تولید محصولات صنایع دستی و عرضه آن به بازار یکی از مشاغل عمده مردم آذرشهر و روستاهای آن محسوب می‌شود که عده زیادی از جمعیت فعال بسوی این صنایع روی آورده‌اند بخصوص در چند سال اخیر تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشاورزان باین مشاغل جذب شده و کار اصلی خود را رها نموده‌اند.

۱- رجوع کنید به آمار پیشه‌وران و اصناف آذرشهر

از صنایع معروف دستی که امروزه حتی در روستاهای دوردست نیز موقعیت محلی و اقتصادی خوبی پیدا کرده است باید در درجه اول قالیبافی را نام برد. گسترش صنعت قالیبافی و خدمات جنبی و مشاغل پیوسته به آن مانند نخ ریزی - رنگریزی - ریسمان فروشی و حمل و نقل و نقشه کشی و غیره در خور اهمیت است. محصولات تولیدی قالی در آذرشهر و روستاهای آن بنام قالی تبریز عرضه می شود و بازار فرش تبریز تمام محصولات و تولیدات این منطقه را خواستار بوده در مقابل مواد و مصالح اولیه از قبیل ریسمان پنبه ای و نخهای پشمی رنگ شده را در اختیار کارخانه داران میگذارد معروفترین قالیهاییکه در آذرشهر بافته می شود بیشتر دارای نقشه شاه عباسی - لچک ترنج - گلستان - اصفهان - شیخ صفی و شکارگاه است که تاحدودی باب روز می باشد این قالیها دارای گره ۲۰ تا ۳۰ می باشد و قالیهای ریز بافت که دارای گره زیادتری است کمتر مورد توجه می باشد زیرا بافتن قالیهای گرانقیمت بصرفه کارگر و کارفرما و کارخانه دار نیست. بطور کلی در روستاهای تابعه آذرشهر بصورت کارخانه یا انفرادی و در منازل متجاوز از ۷۰۰ دستگاه قالیبافی به تولید مشغول است بطور متوسط هر دستگاه قالیبافی ۳ نفر کارگر دارد که در مقابل بافتن هر قاپال (۱۴۰۰۰ گره) ۲۰۰ تا ۲۶۰ ریال مزد پرداخت می شود ولی امروزه کار روزمزد را بر آنچه ذکر شد ترجیح میدهند. متجاوز از ۴۰۰۰ نفر کارگر و استادکار و خلیفه (متصدی کارگاه و مسئول تولید) جذب صنعت قالیبافی شده اند و گاهی اطفال خرد سال نیز در کارگاهها بکار گمارده می شوند.

بتدریج روستاهای تابعه آذرشهر بعلت پائین بودن میزان مزد، نیروی انسانی ارزان قیمت و نداشتن بیمه و سایر مشکلات به مراکز قالیبافی این منطقه تبدیل میشود بنابراین کم کم روستاها از فعالیتهای کشاورزی و دامداری و باغداری به سوی تولید قسالی و صنایع دستی گرایش پیدا می کنند و بزرگترین خطری است که جامعه

روستائی و کشاورزی را با گسترش قالببافی بطور جدی تهدید می کند.

* * *

حوله بافی و پارچه و پتوبافی نیز از صنایع دستی است که محصولات تولیدی این کارخانجات، مقداری در محل مصرف شده مازاد آن به تبریز و سایر شهرها و بخشها فرستاده می شود این صنایع نیز مانند قالببافی عده ای کارگر و نیروی انسانی را بخود جذب کرده است.

منبت کاری - مبل سازی - صنعت چوب - دست بافی پوشاک را نیز باید در ردیف صنایع دستی محسوب نمود.

تعدادی از پیشه وران آذر شهر به تولید لوازم ضروری کشاورزی و باغبانی و وروستائی و وسایل حمل و نقل چهارپایان اشتغال دارند که سالهاست کسب مهارت نموده و احتیاجات روستائیان را برطرف می سازند مانند :

آهنگری - چلنگری - پالاندوزی - چرم دوزی - سمساری که این مشاغل بتدریج متروک می شود و جای آن را لوازم ضروری و مکانیزه خارجی کم کم پر می کند .

آجر فشاری :

در حومه آذر شهر سه کارخانه آجر فشاری مشغول کار است با سامی یاشار - افخم آباد - آذر ، که آجر درجه دوم تولید می کنند محصول تولیدی آجر این کارخانجات هرگز جوابگوی احتیاجات ساختمانی مردم نیست و برای رفع کمبود آجر در ساختمانهای دولتی و شخصی از محصول آجر ماشینی تهران و تبریز استفاده

می شود در حالیکه امکان گسترش این صنعت در آذرشهر موجود است .

کوره های آهک پزی :

سنگ آهک طبیعی بطور فراوان در جنوب غربی آذرشهر در روستاهای الوانق - داش کسن و ساحل دریاچه رضائیه بصورت معادن ورگه های انباشته و تپه ای وجود دارد که در ۱۸ کارخانه و کوره آهک پزی تبدیل به آهک زنده ساختمانی می شود آهک تولید شده علاوه بر تأمین مصرف داخلی مازاد آن به تبریز و سایر شهرها فرستاده می شود و بعلت نیاز شدید به این ماده ساختمانی هر روز بر مقدار تولید آن افزوده می شود . بطور کلی تمام کوره های آهک پزی در مسیر جاده آذرشهر - عجبشیر قرار گرفته اند .

حرفه ها و مشاغل

حرفه ها و مشاغل عمده که اصناف و پیشه وران از این راه در آمد دارند و جزو طبقه فعال محسوب می شوند بشرح زیر می باشد ^۱ :

آهنگر	باب ۲۱	مسگر	باب ۳۰
نجار چوب فروش	» ۴۱	بزاز	» ۲۵
قهوه چی	» ۲۴	شیشه فروش	» ۶
لبنیاتی	» ۵	خرازی	» ۲۷
سنگک پزی	» ۵	ساعت ساز	» ۵
دو چرخه ساز و دو چرخه فروش	» ۱۱	داروخانه	» ۲

۱- آمار و اطلاعات در مورد پیشه وران و اصناف از اداره اماکن شهرداری آذرشهر است

باب ۵	دندان‌ساز	باب ۳۳	خیاط لباس فروش
» ۶	کباب‌پز	» ۲	کتابفروش
» ۹	دوات‌گر	» ۸	گاراژ
» ۲	عتیقه فروش	» ۳	چلو کبابی
» ۴	لواش‌پز	» ۱	نوشابه فروش الکلی
» ۳	آرد فروش	» ۹	بارفروش
» ۸	قصاب	» ۶۳	عطار
» ۶	عکاس و مجله فروش	» ۲۳	وسایل فروش
» ۱۵	آرایشگاه	» ۳	رادیو فروش
» ۱۰	قندریز	» ۳۰	مصالح ساختمانی
» ۲۴	کف‌ش	» ۴	کاشی ساز
» ۱۰	فرش‌فروش	» ۱۴	قنادی بستنی فروش

تعداد کارگاه‌های تولیدی آذرشهر و حومه آن :

- ۱- کارخانه آرد سازی ۳ واحد
- ۲- موزائیک سازی ۳ »
- ۳- چوب بری ۴ »
- ۴- آهک پزی ۱۸ »
- ۵- سنگ کوبی و سنگ بری ۳ »
- ۶- قالببافی ۲۳ »
- ۷- لپه سازی ۳۳ »

- ۸- آجر فشاری ۳ واحد
 ۹- تولید برق (خصوصی) ۱ »
 ۱۰- بافندگی حوله و پتو ۱۰ »
 ۱۱- کارخانه تولید برگه و مغز بادام ۸ »

جمع ۹۰ واحد

مؤسسات و اماکن عمومی :

- مسجد ۳۸ باب
 آب انبار چشمه ۶ »
 فروشگاه تعاونی شهر و روستا ۱ »
 پمپ بنزین ۲ »
 گرمابه ۴ »
 کاروانسرا ۴ »
 بازار و چهارسوق ۵ »
 آموزشگاه رانندگی ۳ »
 درمانگاه و بیمارستان ۳ »
 کشتارگاه و سردخانه ۲ »
 چاپخانه ۱ »
 تاکسی ۶ »

کارخانه کنسرو و سازی آذرشهر :

کارخانه کنسرو و کمپوت سازی آذرشهر در چهار کیلومتری این شهر و سرراه جاده ترانزیتی تبریز - آذرشهر قرار گرفته است . ساختمان کارخانه از سال ۱۳۳۴ آغاز و مدت ۳ سال طول کشید . زمین کارخانه بمساحت ۳۰۰۰۰ متر مربع بطور رایگان از طرف مرحوم مجید فتحی دهخوارقانی در اختیار سازمان برنامه قرار گرفت با توجه باینکه سازمان برنامه در نظر داشته که ۳ کارخانه تولیدی مساوی در ۳ نقطه ایران (اصفهان - خراسان - آذربایجان) ایجاد کند و محل کارخانه می بایست بطور مجانی در اختیار این سازمان گذاشته شود روی همین اصل برنامه ساختمان کارخانه کنسرو ابتدا برای شهرستان مرنند در نظر گرفته شده بود که در این موقع مرحوم مجید فتحی حاضر شد با در اختیار گذاشتن زمین وسیعی به سازمان برنامه ساختمان کارخانه را برای آذرشهر اختصاص دهد که عامل مهمی در به فروش رسانیدن و جذب قسمت زیادی از محصولات میوه این منطقه می باشد و تأثیر بسیار مهمی در تولید محصولات باغداری این منطقه دارد.

سرمایه برای ایجاد این کارخانه مبلغ ۲۲۹۰۰۰۰۰ ریال بود که از این مقدار ۹۰۰۰۰۰۰ ریال برای ساختمان و سرمایه باقیمانده برای دستگاهها و نصب آنها اختصاص داده شد.

سازمان برنامه بیش از سه سال از کارخانه مزبور بهره برداری نکرد و طی مزایده ای کارخانه را در سال ۱۳۴۰ به آقای یحیی سید امامی فروخت - محصول تولیدی کارخانه عبارت بود از مربای آلو - زرد آلو - هویج - سیب و رب

گوجه فرنگی.

آمار دقیقی از مقدار تولید سالانه در دست نیست . در مدت ۲ سال کارخانه سود قابل ملاحظه‌ای نشان نداده و بعلت کارشکنی های مسئولین و کارمندان خود کارخانه ، مقداری متضرر شد .

کادر اداری و انسانی کارخانه عبارت بود از چهار نفر باضافه يك کارمند فنی و تعداد ۲۰ الی ۲۵ کارگر مرد . از سال ۱۳۴۰ تاکنون محصولاتى که کارخانه تولید کرده عبارت بود از مربای زردآلو - سیب - آلبالو و کمپوت (سیب - گیلان زردآلو - گلابی - هلو - آلو - گوجه) رب گوجه فرنگی - آب گوجه فرنگی و کنسرو هویج - بامیه و چند نوع ترشی . در سالهای اخیر تولید و تهیه انواع لواشك بعلت فروش و تقاضای زیاد مورد توجه مسؤلان کارخانه قرار گرفت که فعلا مهمترین رقم تولید را تشکیل می‌دهد.

در حال حاضر کارگر سالانه دائمی ۴ نفر باضافه راننده و موتورچی و متخصص مواد غذائی است و کارگران فصلی متغیر بوده و از ۲۵ تا ۵۰ نفر در نوسان است اغلب کارگران فصلی زنان روستائی هستند که مزد روزانه آنها از ۱۰۰ تا ۱۵۰ ریال می‌باشد و حقوق کارگران و کارکنان دائمی مرد ماهانه ۵۰۰۰ ریال تا ۷۵۰۰ ریال است و کارگران از بیمه‌های اجتماعی بهره‌مند می‌شوند .

* * *

علاوه از کارخانه کنسرو سازی آذرشهر در حال حاضر تعداد ۹۰ واحد کارخانه های آرد سازی - موزائیک سازی - تولید برق - چوب بری - آهک پزی

مشغول کار است که تعداد قابل توجهی از نیروی انسانی را به خود جذب نموده است و به علت موقعیت مخصوص ارتباطی و احتیاج مردم به مصالح ساختمانی و غذائی و لوازم ضروری بتدریج بر تعداد مؤسسات تولیدی در آذرشهر افزوده می شود .

کشاورزی - باغداری - دامپروری

اقتصاد کشاورزی آذرشهر و روستاهای آن به تولیدات محصول کشاورزی و باغداری بستگی دارد موقعیت و قرار گرفتن روستاها در منطقه جلگه‌ای و کوهستانی- استفاده از آب رودخانه و چشمه‌ها و قنات‌ها - حاصلخیزی خاک - مهارت و کارآئی و سابقه ممتد مردم در کشاورزی در نوع محصول و تولیدات کشاورزی اثر کرده است اقتصاد کشاورزی و روستائی این منطقه را می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد :

الف - کشاورزی و زراعت غلات - صیفی‌جات - حبوبات

ب - باغداری و تولید میوه‌جات و سردرختی خشکبار

ج - دامپروری و پرورش زنبور عسل و تولید لبنیات

۱- تولید غلات :

کاشت و برداشت غلات (گندم- جو- چاودار) یکی از مهمترین کار و شغل مردم است و زمینهای زیادی را بصورت آبی و دیمی زیر کشت دارد . در روستاهای کوهستانی که شیب زمین بیشتر و فصل نامساعد طولانی‌تر است غلات دیمی در کوهپایه‌ها کاشته می‌شود در ارتفاعات جنوبی و شرقی آذرشهر بعلت سرمای شدید و آبهوای کوهستانی

گاهی بجای گندم ، چاودار میکارند .

کشت گندم وجو بدو صورت پائیزی و بهاری است و گندم بهاره را (یا زلیق) و گندم پائیزه را (کوزلیق) گویند گندم پائیزه از گندم بهاره سخت دانه تر می شود گندم آبی را در روستاهای جلگه ای که زمین مسطح و آب کافی از رودخانه و چشمه ها دارند می کارند - در روستاهای خانقاه - سیلاب - قوشقرا - غله زار و حومه دهستان گوگان و ممقان و ینگجه گندم آبی کاشته می شود که به مرغوبیت جنس معروف است ولی در روستاهای خان امیر - بادامیار - چنار - امیردیزج - قرمزگل - کردآباد و تمام روستاهای کوهستانی غلات دیمی بمقدار کمتری کشت می شود.

برای کشت گندم وجو، در پائیز زمین را شخم زده و آماده کاشتن می نمایند سپس دانه پاشیده و مسطح و صاف می سازند که با بارانهای پائیزی می روید و در تمام فصل زمستان زیر برف می ماند در بهار، باران نیشان (ماه رومی = ۲۳ فروردین تا ۲۳ اردیبهشت) سبب رشد مزارع گندم می شود . برداشت محصول در روستاهای کوهستانی آذرشهر (جنوب و جنوب شرقی) دیرتر از روستاهای جلگه ای انجام می گیرد و گاهی تا اواخر شهریور ماه طول می کشد ، سمپاشی مزارع و استفاده از کودهای شیمیائی برای مزارع دیمی گندم وجو چندان متداول نیست.

در این اواخر کشت گندم در روستاهای کوهستانی پیشرفت چندانی نداشته است و روستائیان رغبتی به آن نشان نمی دهند و بجای تحمل زحمات و مشقات کاشت و برداشت محصول ، بیشتر از گندم و آرد خارجی که در آذرشهر فروخته می شود استفاده می کنند و یا باندازه مصرف سالانه خود گندم می کارند .

نوعی دانه غلات بنام سنگلک (پولکه) و گاودانه (کرشنه) نیز در روستاهای کوهستانی نظیر کردوار (کردآباد) - چنار - چهاربرود - هرگلان و... کاشته می شود که مخصوص خوراك دامها است.

صیفی جات و جالیز کاری

وجود آب‌هوای مساعد و آب زراعی چشمه‌ها و رودخانه دهخوارقان و چاه‌های نیمه عمیق و مهارت روستائیان سبب شده است که در مزارع آبی آذرشهر و روستاهای جلگه‌ای آن انواع صیفی جات و محصولات جالیز کاری کاشته شود که به مرغوبیت جنس و فراوانی محصول مشهور است و علاوه از مصرف داخلی، مازاد محصولات به بازارهای تبریز و سایر شهرها فرستاده می‌شود.

سیب زمینی - خاک بسیار غنی و آب کافی و کود حیوانی و شیمیائی، نوعی سیب زمینی در روستاهای حومه آذرشهر محصول می‌دهد که نه تنها در این شهر بلکه در آذربایجان به مرغوب بودن معروف است و بمقدار فراوان در روستاهای مجارشین - ینگجه - گوگان و تمام دهات این منطقه تولید می‌شود تولید سیب زمینی در منطقه آذرشهر در سال متجاوز از ۵ هزار تن می‌باشد.

پیاز - در روستاهای جلگه‌ای که مزارع مناسب و آب کافی و تخصص زراعی دارند مرغوب ترین پیاز کاشته می‌شود که همراه پیاز ایلخچی به سایر شهرها صادر می‌گردد پیاز مزارع ممقان - گوگان - تیمورلو - حومه آذرشهر از نظر مقدار تولید و مرغوبیت جنس قابل توجه است.

نخود - از بزرگترین اقلام تولید زراعی آذرشهر و حومه آن کاشت نخود و نخود سیاه برای تولید لپه است. در مزارع روستاها بخصوص در ممقان مرغوبترین نخود کاشته می‌شود که بمقدار فراوان به شهرها صادر و یا در آذرشهر در کارگاه‌های تولید لپه به لپه خوراکی تبدیل می‌شود و عده‌ای از این رهگذر امرار معاش کرده به داد و ستد و صادرات آن مشغولند - صادرات لپه آذرشهر به سایر شهرها قابل توجه است در خارج از آذربایجان به لپه تبریز معروف می‌باشد و بازار نسبتاً پر رونقی را میان مواد غذایی و خواربار بدست آورده است.



يك مركز و انبار لپه در آذرشهر



انبار غلات و خواربار



خیابان پهلوی آذربایجان و تنها گذرگاه آذربایجان به غرب ایران



یک گذر قدیمی



يك بازارچه قديمی



ميدان قديمی محله پراپر و چشمه و آب انبار



سردابه وآب انبار محله پراپر



چنار کهنسال و قدیمی محله پراپر آذرشهر

سبزیجات - در مزارع آذرشهر مطبوع ترین سبزیجات خوردنی (انواع سبزی- کلم- ترب)- گوجه فرنگی-خیار تولید میگردد که علاوه از مصرف داخلی به سایر نقاط و هفته بازارها فرستاده می شود .

هندوانه ممقان به شیرینی و خربزه تیمورلو بخوبی جنس معروف است و از کارهای عمده مردم ممقان و تیمورلو از نظر کشاورزی تولید هندوانه و خربزه های خوب و ممتاز و صدور آن به بازار تبریز و حومه می باشد و مزارع قابل توجهی زیر کشت هندوانه ممقان در کنار جاده آذرشهر می باشد.

توتون - که قبل از آغاز برنامه انحصارات دولتی ، در روستاهای حومه آذرشهر مانند صغایش - قرمزگل - قاضی کند - چنار و . . . بهترین نوع توتون و تنباکو کاشته می شد ولی بتدریج کاهش یافت اکنون چندان توجهی به کشت و تولید توتون نمی شود.

۲- باغداری و تولید میوه و خشکبار :

بعد از کشاورزی و تولید غلات و حبوبات شغل عمده مردم آذرشهر و روستائیان آن تولید محصولات باغداری و خشکبار است . روستائیان و مردم این شهر در تولید انواع خشکبار مرغوب تخصص و مهارت دارند و موقعیت جغرافیائی و اقلیمی و خاک حاصلخیز و آب فراوان چشمه ها امکان میدهد که اقسام متعدد خشکبار و میوه را در این منطقه تولید نمایند بنابراین باغداری و تولید گوناگون میوه رکن اساسی اقتصاد مردم آذرشهر محسوب می شود. سالانه مقدار زیادی محصول تولیدی خشکبار (گردو بادام - برگه زرد آلو - قیسی و کشمش و سبزه) به بازارهای داخلی و کشورهای خارجی صادر می شود و از این رهگذر سالانه مقدار کلی عایدی و درآمد نصیب پیشه وران و

و تولید کنندگان وابسته باین کار می گردد.

در فصل تولید خشکبار و سردرختی ، عده ای از روستاهای مجاور بعنوان کارگر اعم از زن و مرد حتی کودکان به مهاجرت فصلی دست زده برای جمع آوری محصول عازم آذرشهر می شوند که این مسئله در تغییر چهره شهر و اقتصاد آن بی تأثیر نمی باشد . روستاهای جلگه ای که آب هوای معتدل دارند دارای باغات و اراضی زیر کشت درختان میوه متنوعی هستند که در درجه اول باید درخت انگور و زردآلو و بادام را نام برد .

روستاهای کوهستانی بعلت کمبود زمین مناسب و آب هوای خشن کوهستانی نمی توانند درخت انگور را پرورش دهند. بهترین نوع انگور در روستاهای جلگه ای گوگان - شیرامین - قاضی جهان - دستجرد - غلهزار و حومه آذرشهر تولید می شود که در آذربایجان به شیرینی و مرغوب بودن جنس و فراوانی معروف است . علاوه از انگور مصرفی مردم ، قسمتی از محصول این منطقه را بصورت خشکبار از قبیل حسینی - فخری - شاهانی - عسگری و سبزه و کشمش درمی آورند که از صادرات عمده آذرشهر محسوب می شود . معروفترین نوع انگور در آذرشهر عبارت است از شاهانی - الحقی - ریش بابا - گلین بارماغی (انگشت عروس) - کشمش - صاحبی حسینی - عسگری - دیزماری - قزل اوزوم (انگور طلائی) - تبرزه و جغ جفا . در حال حاضر متجاوز از ۱۰۰۰ تن انگور در آذرشهر و باغات و روستاهای آن تولید می شود که يك چهارم آن به کشمش تبدیل شده و از بقیه آن مقداری سوجوق بسیار مرغوب می سازند که در آذربایجان شهرت خاصی دارد .

باغداران و کشاورزان در تولید محصول سردرختی و میوه آذرشهر از روشهای نوین کشاورزی و انتخاب نوع درخت مرغوب و دفع آفات و مصرف کود بطرز چشمگیری استفاده می کنند بنابراین محصول میوه آذرشهر در بازارهای اقتصادی

آذربایجان توانسته است برای خودش اعتبار و بازار مصرف قابل توجهی پیدا کند. محصول بادام، زردآلو، گردو، سیب، گلابی، قیسی، هلو، شلیل و انگور آذرشهر و روستاهای تابعه از جمله گوگان - قاضی جهان - شیرامین و سایر روستاها بسیار مرغوب است. آذرشهر از مراکز تولید برگه زردآلو است که به کشورهای آلمان و شوروی و اروپای شرقی صادر می گردد که در حدود ۸۰۰ تن بوده و مغز گردو در حدود ۳۰۰ تن است که تمام این محصولات به شهرهای داخلی و کشورهای خارجی صادر می گردد.

در تولید برگه زردآلو و مغز هسته و مغز بادام و گردو، عده ای از زنان و کودکان خرد سال مشغول کار هستند که روزانه ۱۲۰ تا ۱۵۰ ریال مزد می گیرند. بامسلق، سوجوق و میان پر منطقه آذرشهر و گوگان معروف است و در مراسم چهارشنبه سوری و عید نوروز به شهرها صادر می شود.

وجود مزارع و باغات میوه و تاکستانها و زمینهای زیر کشت از نظر مالی بهشتوانه قابل توجهی برای کشاورزان بوده و بزرگترین عامل در پیشرفت تجارت و اقتصاد آذرشهر می باشد و بنحو چشمگیری از بیکاری مردم کاسته است در حقیقت رکن اساسی و اصلی معیشت مردم آذرشهر و حومه آن از کشاورزی و دامپروری و باغداری می باشد.

۳- دامپروری و تولید لبنیات :

پروراندن و دامداری در آذرشهر و روستاهای آن بسیار متداول است بهترین نوع گوشت در این شهر عرضه می شود که در آذربایجان بخوبی و فراوانی جنس معروف است. وجود چراگاههای کوهستانی و مراتع فراوان و تولید علوفه و یونجه در سطح

گسترده به روستائیان امکان داده است که قسمتی از کار خود را اختصاص به پرواربندی دهند. پرورش دامها بخاطر تولید گوشت در سالهای اخیر گسترش یافته است و یکی از مشاغل مهم روستائیان می باشد.

چون در روستاهای آذرشهر امکان پرواربندی بخاطر استفاده از شیر دامها مساعد می باشد بنابراین از مشاغل عمده جامعه روستائی این منطقه پرورش گاو و گوسفند و تولید لبنیات محسوب می شود.

در روستاهای کوهستانی که آب هوای مطبوع و علوفه متنوع و فراوان دارند بهترین نوع پنیر و لبنیات تولید می شود شیر گوسفندان را درپائیز باقرارداد شیربها به صاحبان کارخانه پنیر و یا شیربها می فروشند و تحویل شیر از اوایل اردیبهشت بکارخانه های پنیر آغاز شده و تا اوایل شهریور ادامه می یابد.

در روستاهای جلگه ای آذرشهر که راه ارتباطی به شهر تبریز دارند دامپروران شیرگاو و گوسفند را به تبریز حمل کرده که قبلاً پیش فروش نموده اند - لبنیات دهستان گوغان و روستاهای اطراف آذرشهر بسیار معروف است و خریدار خوبی دارد - هر ۵ کیلو شیر از ۱۲۰ تا ۱۵۰ ریال به کارخانه تحویل داده می شود.

ایجاد مرغداری بخاطر پرورش مرغهای گوشتی و تخمی در حومه آذرشهر و روستاهای گوغان نیز بخوبی پیشرفت کرده است و هر سال بر تعداد مؤسسات مرغداری اضافه میگردد و محصول این مرغداری ها به تبریز فرستاده می شود .

۴- پرورش زنبور عسل :

بهترین نوع عسل طبیعی و مرغوب در منطقه ییلاقی و کوهستانی روستاهای سهند غربی و آذرشهر مانند روستاهای هرگلان - قرمزگل - قدمگاه - گنبر - هفت چشمه

و آخی جهان و... تولید می‌شود که بسیار معروف بوده و خریداران قابل توجهی دارد. بیشترین محصول به تبریز و تهران فرستاده می‌شود - وجود باغات متعدد پراز گل و شکوفه در روستاهای این منطقه و وجود چمنزارها و گلزارهای طبیعی در کوهستانهای سهند این امکان را فراهم ساخته که پرورش دهندگان زنبور عسل اقدام به تولید بهترین نوع عسل نمایند. در فصل بهار تا اوایل تیر ماه کندوها را در باغات میوه می‌گذارند تا زنبورها از شهد گل‌های متنوع استفاده نمایند و با شروع تابستان، کندوها را به کوهستان و روستاهای ییلاقی و خوش آب‌وهوا منتقل می‌سازند در حال حاضر تولید عسل در سبدها و قوطی‌های ساخته شده عملی می‌گردد.

می‌توان گفت که در آذربایجان کمتر شهرک و بخشی وجود دارد که از نظر تولیدات انواع محصولات کشاورزی، دامپروری، غذائی و خشکبار به پای آذرشهر برسد و مانند این بخش پیشرفته، فعالیتهای ثمر بخش تولیدی و اقتصادی داشته باشد.

هفته بازار آذرشهر

« توفارقان بازاری »

جمعه و شنبه بازار آذرشهر و حومه آن ، مانند پنجشنبه بازار گوگان ، سه شنبه بازار خسرو شاه و جمعه بازار ممقان و ایلخچی رابط روستائیان با شهر نشینان است . از نظر اقتصادی این بازارها بهترین مراکز مبادله کالا بوده و عرصه مناسبی برای تبادل اجناس کشاورزی و محصولات روستائی است و این بازارها قسمت عمده محصولات و تولیدات زراعتی و دامپروری را بطرف خود می کشد.

هفته بازارهای آذرشهر و حومه اش برای مردم این منطقه از نظر اقتصادی نوعی مشکل گشای عرضه و تقاضا است. در این بازارها احتیاجات زندگی روستائیان چه از طریق خرید اشیا و اجناس بطور نقدی و چه از نظر معاملات پایاپای و تعویض اجناس مرتفع می شود . این بازارها بصورت مراکز وسیع مبادله کالا درآمده است که همه نوع معامله انجام می گیرد . حجم معاملات در بازارهای روز به نسبت کثرت اجناس و افزایش کالاهای مورد نیاز مردم زیادتر می شود.

در هفته بازارهای آذرشهر، کشاورزان با تحویل محصولات زراعتی از قبیل

میوه جات ، خشکبار (بادام - مغز گردو - برگه) حبوبات و غلات و اشیاء و صنایع دست بافت مانند قالی ، قالیچه - جاجیم ، گلیم ، لباسهای پشمی و یا فرآورده های حیوانی و لبنیات (پنیر - روغن حیوانی) روده - پوست - پشم گوسفند و شتر و غیره اجناس مورد احتیاج خود را تهیه می کنند و پس از اتمام معامله به ده یا مسکن خود برمی گردند . امکان دارد در هفته بازار آذرشهر کمتر پولی رد و بدل شود زیرا بعضی اوقات جنس را با جنس دیگر عوض می کنند قالی را با اسب و گوسفند را با غلات و لوازم خانگی را با خشکبار و غیره .



هفته بازار آذرشهر (توفارقان بازاری)

روستائیان ، خریداران ، سوداگران و پیشه وران سعی می کنند خود را به هفته بازارها برسانند جمعه و شنبه بازار آذرشهر و سایر هفته بازارهای تابعه برای

روستائیان و سوداگران چه شهری و روستائی يك روز مورد علاقه و محلی مناسبی برای ملاقات و خرید و فروش محسوب می شود و تبادل نظرهایی در بیشتر مسایل زراعتی ، اجتماعی و اقتصادی و غیر از اینها نیز بعمل می آید.

در آذرشهر چند میدان و کاروانسرا وجود دارد که مرکز هفته بازار و محل خرید و فروش کالا است در اطراف میدان و کاروانسراها ، برای استراحت و توقف مسافران و مشتریان سایر روستاها ؛ مسافر خانه ها و قهوه خانه ها ، مغازه های خوراك پزی و دكانهای وابسته به آن بوجود آمده است کشاورزان و روستائیان دهات تابعه آذرشهر ضمن انجام معاملات و مبادله اجناس برای رفع گرفتاریها و مشکلات خود نیز سری به ادارات دولتی و بانكها میزنند و طلب خود را از بازرگانان و اصناف وصول می نمایند. بیشتر روستائیان سعی می کنند قبلا محصولات خود را به قیمت مناسبتری فروخته با پول نقد و جیب پر به بازارهای روز بیایند ولی عده ای دیگر بهمان طریق سابق ، از گاو و گوسفند گرفته تا مرغ خانگی و غلات و حبوبات ، همه را با خود به بازار فروش می آورند و آنها را در مقابل مایحتاج و ضروریات زندگی بهر قیمتی که مناسب باشد می فروشند.

میدان و مکان بازارهای هفته آذرشهر دو بخش جدا از هم است . شنبه بازار آذرشهر مخصوص خرید و فروش مواد غذایی - خواربار - پوشاك - غلات و لوازم خانگی است که میدان بازار یا میدان مسجد حاج کاظم و کاروانسراهای صبح خیز و کشمش چی و اسد آقا و حاج جواد مخصوص داد و ستد شنبه بازار می باشد و جمعه بازار اختصاص به خرید و فروش حیوانات و دامها است .

در شنبه بازار آذرشهر این اجناس بیشتر فروخته می شود:

- ۱- خشکبار (بادام - برگه - کشمش - سبزه - مغز گردو - خشکبار ساخت آذرشهر مانند باسلق - سوجوق و میان پردر نزدیکیهای عید نوروز و چهارشنبه سوری).
- ۲- میوه جات و صیفی جات (هندوانه - سیب - گلابی - هویج - پیاز -

سیب زمینی - کلم - گوجه فرنگی) .

۳- غلات (گندم - جو - چاودار - کرشنه - تخم یونجه) .

۴- حبوبات (لپه - برنج - نخود - لوبیا - عدس - آرد) .

۵- وسایل کشاورزی (بیل و کلنک - گاو آهن - پارو - طناب - کودشیمیائی

پالان - جوال - توبره - لوازم نجاری و غیره) .

۶- مواد خوراکی (پنیر - کره - عسل - تخم مرغ - ماست - کشک - روغن

حیوانی و نباتی - قند - چای - شیرینی و نبات) .

۷- پوشاک (چیت و اقسام پارچه - لباسهای کهنه و تازه - کفش چرمی و

ولاستیک - چاروق - نایلون) .

۸- دستباف (قالی - قالیچه - گلیم - جاجیم - روتختی - حوله - جوال -

خورجین - پتو - جوراب - پیراهن و شلوارپشمی) .

۹- اثاث منزل (چراغ نفتی - زنبوری - چراغ خوراک پزی - سماور - ظروف

غذاخوری پلاسکو و آلومینیم و مسی و سفالی - رادیوگرام - ضبط صوت) .

۱۰- انواع کتابهای مذهبی (داستانها - شاهنامه - حسین کرد - شاه اسماعیل

مختارنامه - شیرویه - تقویم - توضیح المسایل و رسالهها - شمایل و تصاویر اولیا

و انبیاء) .

۱۱- لوازم آرایش و زینتی (اقسام عطر - لوازم خرازی - سرخاب و سفیداب)

میدان مال فروشان عموماً محصور بوده و انواع دامها و حیوانات زنده از قبیل

گاو و گوسفند ، بز ، بزغاله ، گاو میش ، اسب ، قاطر ، الاغ ، شتر ، اقسام مرغ خانگی

بو قلمون و اردک و غاز بفروش میرسد .

انواع چرم خام ، گاو و گوسفند و بز ، موی شتر ، پشم گوسفند نا شور ، گزم (پشم بره)

کرك بز ، روده ، گوشت و پیه حیوانات خرید و فروش می شود .

در این هفته بازارها سود بیشتر عاید واسطه‌ها و دلال‌هایی شود که سالها استادکار و طرف اطمینان بوده‌اند و با قاطعیت تمام معاملات را رو براه می‌کنند. روزهای هفته بازار آذرشهر و حومه‌اش هیچوقت از فکر و نظر سوداگران شهرک‌ها و روستاها فراموش نمی‌شود و باید اضافه کرد که برای این طبقه از مردم و کشاورزان و روستائیان رفت و آمد به هفته بازارها يك شغل و حرفه دائمی شده است و معاش خانواده‌ها از این رهگذر تأمین می‌شود. مسافرت‌های مردم آذرشهر و روستاهای آن به تبریز با توجه به سهولت رفت و آمد و فراوانی وسایط نقلیه برای خرید مایحتاج ضروری گاهی از اهمیت هفته بازارها میکاهد از این نظر که شهرها و روستاها باید بمردمش غذا برساند و آنرا تأمین و تولید کند و برای صنایع‌اش مواد اولیه خام تهیه نماید تا حدودی رونق هفته بازارها را کاهش داده است.

چهره عمومی هفته بازارها را میتوان خیلی فشرده و باین طریق شرح داد :

میدان هفته بازار محوطه‌ای است باز که حاشیه آنرا فروشنندگان با پهن کردن بساط خود محصور کرده‌اند و در آن از هر نوع کالائی خاصه کالای ارزان قیمت و خوراکیهای گوناگون پیدا میشود. دوره گرد‌ها با قوری بزرگ و آب داغ و کبابی روی چهارچرخه و بساط کباب در گوشه و کنار میدان در رفت و آمد هستند و با صدای بلند مشتری طلب می‌کنند. قهوه‌خانه‌ها مرکز تجمع سوداگران و پیشه‌وران دلان بوده محل رتق و فتق امور زراعتی و خرید و فروش و عقد قراردادهای روستائی است. در قهوه‌خانه‌ها قبلا برای مشتریان خود تدارك غذا و چای را دیده‌اند و این محل در تابستان و زمستان بهترین پناهگاه و استراحتگاه بشمار می‌آید و همه مردم از کار و زندگی و مزرعه و اوضاع جوی و مشکلات خانوادگی و اقتصادی و اجتماعی بیکدیگر گزارش و اطلاع میدهند کسانیکه غذا صرف کرده و استراحت نموده و کارشان تمام شده است قهوه‌خانه را ترك کرده بلافاصله جای خالی را بیکدسته دیگر از روستائیان که برای خرید و فروش به بازار آمده‌اند پرمی‌کنند. هر دسته از سوداگران و پیشه‌وران قهوه‌خانه بخصوصی دارند.

منابع و مآخذ

- جغرافیای طبیعی آذربایجان آقای دکتر رحیم هویدا چاپ دانشگاه آذربایجان
- چشمه‌های معدنی ایران آقای دکتر محمد جواد جنیدی « « «
- تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری آقای دکتر محمد جواد مشکور انتشارات انجمن آثار ملی
- آثار باستانی آذربایجان جلد اول - آقای عبدالعلی کارنگ « « «
- جمعیت شناسی عمومی آقای دکتر جمشید بهنام - چاپ مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران
- نشریه اداره آموزش و پرورش آذرشهر بمناسبت دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران
- تاریخ فرهنگ آذربایجان جلد اول - شادروان استاد حسین امید
- جغرافیای تاریخی گیلان - مازندران - آذربایجان آقای ابوالقاسم طاهری - چاپ شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی
- جنگ ایران و روس ۱۸۲۷-۲۸ آقای جمیل قوزانلو - انتشارات کتابخانه ترقی تهران
- آمار و ارقام از دفتر اطلاعات ادارات بخشداری - آموزش و پرورش - شهرداری - دادگاه بخش - جمعیت شیروخورشید سرخ و کتابخانه جوادی و امام المنتظر آذرشهر می باشد .